

# نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

## \* خامنه‌ای: برای بازسازی به تخصص و منابع خارجی نیاز مندیم

مسئولان اعزامی کشورها برای کسب "سهم مقدس" می‌کوشند.

بی گمان نمایشگاه تهران، یگانه "زایشگاه" و "پرورشگاه" وابستگی بیشتر اقتصادی کشور نیست، اما این هم وسیله‌ای تلقی می‌شود تا باب مذاکرات بیشتر را بگشاید و طرح "بستگی مقدس" را پی ریزد. ۳۶ کشور و از آن بین مهمترین کشورهای امپریالیستی - منهای آمریکا - در نمایشگاه حضور دارند. آمریکا هم برای "مشارکت مقدس" خود در بازسازی اقتصادی، امرهای متعددی در اختیار دارد و از اینرو "سهم مقدس" او نیز به طرق مختلف تضمین شده و یا خواهد شد.

"زایشگاه و پرورشگاه" وابستگی بیشتر اقتصادی کشور، در واقعیت امر از یک سوساخت بقیه در صفحه ۳

چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران در شرایط فعلی کشور و در دوران موسوم به "بازسازی اقتصادی" از اهمیتی ویژه برخوردار است. این نمایشگاه بنا به همین شرایط ویژه، ادامه نمایشگاه سال قبل نبوده، بلکه کیفیت دیگری را نمایندگی می‌کند. آنگاه که فروب نمایشگاه چهره "گردشگاهی" خود را از دست می‌دهد و فوج، فوج انسانهایی که برای لحظه‌ای تفریح و یا خرید یک یا چند کالای نایاب به محوطه هجوم آورده‌اند، محوطه نمایشگاه را ترک می‌کنند، وظیفه اصلی نمایشگاه آغاز می‌شود. دیدار هیاتهای اقتصادی و فنی، البته همه روزه در خارج از محیط نمایشگاه ادامه دارد. قراردادهای پی ریخته می‌شوند و در کورس طلائی "مشارکت مقدس" در امر بازسازی اقتصادی "کشور دوست ایران"



دوشنبه ۴ مهر ۱۳۶۷ برابر ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸  
بها ۶۰ ریال سال پنجم - شماره ۲۲۶

## ۸ سال جنگ

### دیگر هوگر مباد!

هفته گذشته از آغاز جنگی که از سیاه‌ترین رویدادهای تاریخ ایران شمرده می‌شود، ۸ سال سپری شد و هنوز روشنائی صلح ندیده است. اکنون دیگر توپخانه‌ها خاموش مانده‌اند اما هنوز بیش از دو ماه پس از پذیرش آتش‌بس مذاکرات صلح ره بجائی نبرده است. در هفته گذشته، هفته‌ای که جمهوری اسلامی به‌روال پیشین همچنان آنرا "هفته جنگ" نامید و نمایش‌ها بر پا کرد، مذاکرات صلح بکلی منجمد شد و دیدارهای طرفین قطع گردید.

هفته گذشته رژیم در پاسخگویی به این بازخواست خشمگین مردم که: "پس آنهمه که کشته شده‌اند!" تلاش ورزید که از "آنهمه" بکاهد و بگوید در طول جنگ در هر ۲۵ دقیقه تنها یک نفر کشته شد! یکی از وزیران شمار قربانیان جنگ را ۳۴۰۰۰۰ کشته و ۶۰۰۰۰۰ معوقه اعلام کرد ادعائی که همگان آنرا دروغ می‌دانند.

هفته گذشته توپچی‌های ارتش عراق بقیه در صفحه ۲

## سال تحصیلی برای ۱۳ میلیون دانش‌آموز کشور آغاز شد

ماه در کلاس درس بودند و بعد از دو ماه ترک تحصیل اجباری، در اردیبهشت ماه پشت صندلی امتحانات زود هنگام پایان سال تحصیلی نشستند. فعالیت آموزشی در بعضی و اسفندماه گذشته نه تنها در استانهای جنگ‌زده بلکه در اکثر نقاط کشور به جز استان مازندران، گیلان و خراسان متوقف شد. در موشک‌باران شهرها که در ماه‌های یادشده به اوج خود رسید، مدارس یکی از آماج‌های اصلی بود. در این حملات، ده‌ها مدرسه ویران و انبوهی از دانش‌آموزان هرقه به خون شدند. خروج اجباری مردم از شهرها، شیرازه امور آموزش و پرورش را نیز از هم گسیخت و دیگر دانش‌آموزان و معلمان قادر نشدند در مدارس حضور یابند. تلاش رژیم برای کشاندن دانش‌آموزان و معلمان به مدارس در شرایط موشک‌باران، که عملاً به مسلخ آنان بدل شده بود، موثر نشد. در فروردین ماه سال جاری، هیات دولت با تصویب تعطیل رسمی مدارس، بقیه در صفحه ۶

با فرارسیدن پاییز فعالیت آموزشی در سراسر کشور از سر گرفته شد. روز شنبه دوم مهرماه نزدیک به ۱۳ میلیون دانش‌آموز سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. در رژیم جمهوری اسلامی، شروع هر سال تحصیلی با انبوهی از مشکلات، دشواری و نگرانی همراه است. مشکل کمبود کتاب، معلم، فضای آموزشی، آزمایشگاه، امکانات ورزشی و فوق برنامه لاینحل باقی مانده و بسیج دانش‌آموزان برای اعزام به جبهه با وجود تسلیم رژیم به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ همچنان ادامه دارد. هنوز هم علیرغم آغاز فعالیت آموزشی، بسیاری از دانش‌آموزانی که می‌بایستی به کلاس اول دبستان راه‌یابنده هفت کعبه مدارس و امکانات آموزشی پشت درهای مدارس سرگردانند و والدینشان نتوانسته‌اند جایی برای ثبت نام آنان بیابند.

سال تحصیلی ۶۶ - ۶۷ بر اثر جنگ شهرها و حملات موشکی نیمه تمام خاتمه یافت. در سال گذشته ۱۲ میلیون و ۱۱ هزار دانش‌آموز تنها ۵

## در برمه، زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد

در روز یکشنبه ۲۷ شهریور (۱۸ سپتامبر) دیکتاتوری در برمه جلوه بارزتری یافت. سران ارتش مستقیماً قدرت را به دست گرفتند و اگر بخواهیم شرایط برمه را با شرایط ایران دوران انقلاب به لحاظ‌صوری مقایسه کنیم، باید بگوییم در هفته گذشته "دوره شریف امامی" در برمه پایان یافت و اکنون "ازهاری" بر مسند امور نشسته است.

حاکم تازه، ژنرال ساو مایونگ نام دارد. وی پس از قدرت گیری، یک کابینه نظامی تشکیل داد که در آن پستهای وزارت دفاع و خارجی را خود به عهده گرفت. قدرت اساساً در دست ۱۱ تن از سران ارتش قرار گرفته که جمع خود را "سازمان استقرار نظم و قانون در کشور" می‌نامند. این سازمان در روز چهارشنبه هفته گذشته (۲۱ سپتامبر) به ژنرال ساو مایونگ لقب "رئیس‌جمهور" اعطا کرد.

ساو مایونگ پس از این که در شب یکشنبه ۱۸

### در این شماره

● افشای دروغ رژیم عراق

● در مورد بازگشت آوارگان کرد

در صفحه ۲

● کودکان و آموزش در بلوچستان

در صفحه ۷

● شبی در رام‌الله

در صفحه ۱۲

● المپیک: زیبایی و توانایی

● شادمانی و حسرت

در صفحه ۹

سپتامبر، واحدهای ارتشی در شهرها مستقر شدند، بیانیه‌ای صادر کرد و حکومت نظامی را خواست مردم برای برقراری "دموکراسی واقعی" نام نهاد. مردم در برابر این سرکوبگری آشکار و این ادعای و قبحانه، دست به مقاومت تهرانانهای زدند. بلافاصله خیابانهای رانگون و دیگر شهرهای هم‌ده برمه، سنگربندی شدند و مقاومت شکل مسلحانه یافت. مردم با سلاحهای دست‌ساز به جنگ با نیروهای سرکوبگر پرداختند. آخرین خبرها تا اواسط هفته گذشته حاکی از کشته شدن ۴۰۰ نفر به دست نفرات ارتش است. مقاومت همچنان ادامه دارد و در رانگون مدام صدای شلیک گلوله به گوش می‌رسد. سربازان دست به خانه‌گردی وسیعی زده‌اند تا رهبران اپوزیسیون را دستگیر کرده و سلاحهایی را که مردم خودساخته و یا از جنگ سربازان خارج کرده‌اند، ضبط کنند.

بقیه در صفحه ۱۴

## ۸ سال جنگ

## دیگر هرگز مباد!

بقیه از صفحه اول

همچنان شلیک این بار در کردستان که بدانجا برای قتل هم یک خلق فرستاده شده بودند.

هفته گذشته گفته شد که رژیم عراق اجرای پروژه‌های میلیاردی را در دست بررسی دارد که با اجرای آن شطالعرب از راهی دیگر روانه دریا خواهد شد؛ یعنی که باراندازهای خرمشهر و آبادان و شاید هم بصره برای همیشه از کار بازمانند!

هفته گذشته در تهران در روزنامه ای دولتی (کیهان) نوشته شد که دست اندر کاران رژیم بر روی طرحی کار می‌کنند که مطابق آن ایران و آمریکا روابط ویژه‌ای برقرار می‌کنند تا با "خطر شوروی" مقابله شود!

هفته گذشته در سطح محدود مقامات اصلی رژیم فقها، در پشت درهای بسته، پیشنهادهای که از سوی یوسف بن هلولی وزیر امور خارجه عمان و فرستاده ویژه "شورای همکاری خلیج" به تهران آورده شده بود، مورد حلای قرار گرفت. پیشتر مطبوعات گزارش کرده بودند که مطابق طرح آمریکا "شورای همکاری خلیج" باید گسترده‌تر شود تا ایران را هم در برگیرد.

هفته گذشته ناوگان آمریکایی در خلیج فارس و تنگه هرمز گوش بزنک کشیک می‌داد، در حالی که ناوگان ایرانی سربزیر به جمع آوری مین‌های رها شده در خلیج مشغول بود. گوش بزنک که و چه بودند؟!

هفته گذشته در هتل‌های لوکس تهران جای سوزن انداختن نبود. به بهانه نمایشگاه تهران از اقصی نقاط دنیا آمده‌اند. هیچ کدامشان فرصت سرخاراندن ندارند. باید کشته‌را درو کنند؛ کشته‌هایشان ویرانه‌هایی است که از جنگ ۸ ساله، با خون آن همه کشته، حاصل شده است. بنا به برآوردی مندرج در روزنامه‌های دولتی، آنچه که مسافری تازه هتل‌های تهران - نمایندگان کنسرن‌ها - درازای معامله بر سر این ویرانه‌ها به چنگ خواهند آورد، همه بهای نفتی است که در همه سالهای آتی از کان‌های

ایران بیرون کشیده خواهد شد. طنز فمگانه مردم ایران چه گویاست که: "دارند مملکتی را کلنگی می‌فروشند!"

هفته گذشته کربدورهای برخی وزارتخانه‌ها هم پر از دحام بود؛ وزارت صنایع، بازرگانی، صنایع سنگین و... بدنبال مجوز، موافقت، موافقت اصولی و... آمده‌اند. آنهایی آمده‌اند که در طول این سالها پول پارو کرده‌اند. "چمدان وطنی" ما هم پیدایشان شده است، همانا که با انقلاب تارنده شده بودند.

هفته گذشته در شب جمعه در گورستانهای شهرها و دهات باز هم غلغله بود. مادران و پدران، کودکان و بیوگان آمده بودند تا بر مزار کشته خویش مویه‌کنند؛ هزیزی که آن همه بیهوده در سرزمینی دور دست به خاک در فطییده بود...

می‌توان از آنچه که جنگ با ما کرده است، جنگی که خمینی آنرا این همه پایدار - ۸ ساله - کرده است، بسیار نوشت؛ سیاه‌های بلند از نجایع، از ویرانی و از تباهی و دناخت، از سیاهکاریهای هولناک که خلقی راه شده است همه بتامی در پیشاروی ماست؛ زشت و سیاه و خوفناک، درد و چرک و خون، ویرانی و آوار و آتش، اما آنچه که در پیش‌است چه؟

آنچه که در این هفته‌ها و در این ماه‌ها می‌گذرد، نشان می‌دهد که چه در پیش‌است و جز این هم نمیتوانست باشد. نتیجه جنگی نکبت بار، حرکتی پر شتاب در مسیریک سیاست نکبت بار است.

جنگ نکبت بار را بالاخره مردم متوقف کردند و آتش بس بدست آمد که هنوز صلح نیست. در حالیکه مردم مصمم‌تر از همیشه می‌خواهند که دیگر هرگز جنگ نباشد. اراده مردم می‌تواند براکراه جنگ‌افروزان در پذیرش صلح نیز چیره شود. اما حرکت پرشتاب در مسیر یک سیاست نکبت بار ذاتی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است که جز بانابودی آن گسسته نمی‌شود؛ رژیمی که مسئولیت آنهمه فجایع را برهمه دارد.

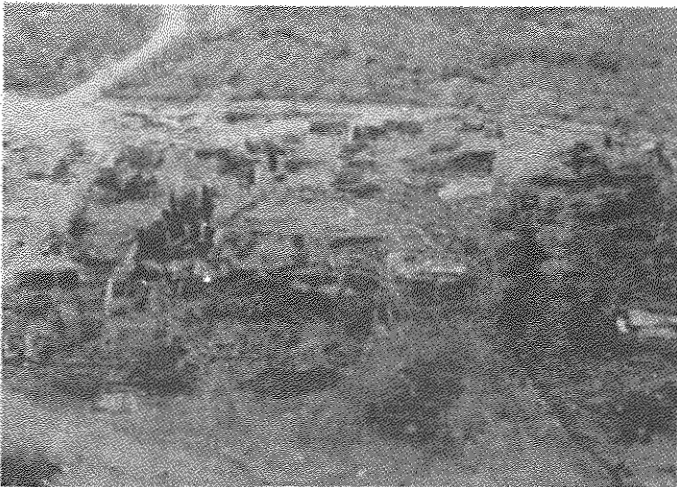
افشای دروغ رژیم عراق  
در مورد بازگشت آوارگان کرد

پرواز می‌کردیم، در زیر مزارعی دیده می‌شد که در آنها انسانی نبود. هر چه بود دهکده‌های ویران و زمینهای سوخته بود. همکاری که ده سال پیش اینجا را بازدید کرده بودند، می‌گفتند این منطقه در گذشته بسیار سرسبز بود، مزارع فراوان و جمعیت کثیری داشت. اما اکنون قلب منطقه کوهستانی عراق تقریباً خالی از سکنه است. صدها هزار کرد را به اجبار به جای دیگر منتقل کرده‌اند. بافت ششیرتی کاملاً بهم خورده است. در شهر دو هک، فرماندار آن منطقه تاکید کرد که در اطراف دو هک ارتش حداقل ۲۰۰ آبادی را ویران کرده است.

... به پرواز خود ادامه دادیم. جنگل و مزارع، اما از اهالی کسی رانمی‌بینیم. پس کجایند آن ۱۵۰۰۰ نفری که روزنامه "بغداد بزرور" مدعی است از ترکیه به عراق بازگشته‌اند؟ در زاخو گذرگاه مرزی ترکیه و عراق، هلی‌کوپترمان به زمین نشست. از این گذرگاه روزانه ۲۰۰۰ کامیون ترکیه‌بهور می‌کنند تا هر روز حدود ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت عراقی را به ترکیه حمل کنند. اما ما نه برای تماشای این کامیونها، بلکه کردهایی رفته بودیم که می‌گفتند مدام دسته دسته به عراق باز می‌گردند. ساهتی منتظر ماندیم. هیچ کس نیامد. همراهان عراقی ما نتوانستند یکی از آن "۱۵۰۰۰ نفر" را به ما نشان دهند.

رژیم صدام حسین مدعی است پس از این که به کردهای عراقی به اصطلاح "هغو هوموی" داده شد، هر روز تعداد کثیری از پناهمجویان کرد در ترکیه، به عراق باز می‌گردند و تاکنون شمار آنها به ۱۵۰۰۰ نفر رسیده است. رژیم صدام حسین در این رابطه نمایش‌هایی ترتیب داد و از عدهای از خبرنگاران دعوت کرد تا برای بازدید از بازگشت کردها، به کردستان عراق سفر کنند و در واقع به تماشای آن نمایشها بروند. نمایش‌های ترتیب داده شده آنچنان ساختگی و دروغین بودند، که کسی را گول نزد. در این زمینه خبرنگار روزنامه آلمانی زود دوپچه تسایتونگ گزارشی تهیه کرده که در شماره ۲۰ سپتامبر این روزنامه درج شده است. خبرنگار متذکر می‌شود که همه‌جا در مصعبت سربازان عراقی بوده و هیچ امکانی برای تماس مستقیم با مردم وجود نداشته است. این خبرنگار می‌نویسد یورش رژیم بغداد به کردستان عراق آنچنان وسیع است که اکنون در آن خطه تعداد مقرهای نظامی بسی بیشتر از تعداد روستاهای ویران نشده است.

در بخشی از گزارش خبرنگار زود دوپچه تسایتونگ از کردستان عراق چنین آمده است: "در ارتفاع کم، بر فراز زاخو، گذرگاه مرزی عراق و ترکیه،



ویرانه‌ای بر جامانده از یک دهکده کردی

## نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

بقیه از صفحه اول

اقتصادی سرمایه داری وابسته است که رژیم جمهوری اسلامی از شاه به ارث برد و تنها آنرا از "زرق و برق" انداخت و از سوی دیگر اقتصاد جنگ زده و ویران است، که به خودی خود "مشارکت مقدس" شرکتی چند ملیتی را مطرح می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که در دوران "سرد" انزوا و تحریم اقتصادی همواره گرم ترین مناسبات را با کشورهای امپریالیستی درجه اول حفظ کرده است، اینک پس از ۸ سال جنگ ویرانگر با اقتصادی فلج و ویران مواجه است. صادرات غیرنفتی کشور را، هرگاه از جaro جنجال تبلیغاتی رژیم که تنها بار ارزش هوامزایی دارد، تفکیک نکنیم، اصلا چیز جدی به حساب نمی آید. صادرات نفت کشور هم با توجه به بهای نازل نفت و سهمیه محدود جمهوری اسلامی، قادر نخواهد بود بر زخم های اقتصادی مرهم نهد، موضوع درمان این زخمها که اصولاً متوله دیگری است.

ساخت اقتصادی کشور و ساخت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی برای بازسازی مقدس اقتصادی و

همرانی کشور تنها یک راه پیش می نهد، روی آوردن به سوی "دلار مقدس" و اهوای و انصارش. اخذ اعتبارات خارجی، پیشبرد طرح های وابستگی زای اقتصادی از قبیل استفاده از پدیده "یوزانس"، سیستم "بای یک" و حتی اجاره صنایع و نیروهای مولده داخلی به انحصارات خارجی بطور مستقیم. این "دلار" البته "دلار اسلامی" نیست ولی بهر حال "دلار ادیان پنجگانه و صاحب کتاب" است و باب "تجارت آزاد" هم در نقه به کرات مورد تأیید و تاکید قرار گرفته است. و بدین ترتیب شرع مانع کار نیست.

برای "وصل کردن" اقتصاد ویران کشور و "دلار مقدس" دلالت بی شماری به راه افتاده اند؛ چهاردهمین نمایشگاه تهران یکی از یاتوق های دلالت اصلی به حساب می آید. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در خطبه های نماز جمعه ۲۵ شهریور تهران در خصوص این نمایشگاه و این "دلالت معرو" محبت گفت: "تشکیل این نمایشگاه، مظهر ارتباط تجاری و بازرگانی میان کشور ما و دیگر کشورهای جهان است."

کشورهای امپریالیستی و شرکت های چند ملیتی نیز این نمایشگاه را مظهر چنین ارتباطی به حساب می آورند. از این رو، همراه کالاها و مصنوعات صنعتی خود، پیام ها و پیشنهادهای را هم به نمایش گذاشته اند. این چنین است که در تهران دو نمایشگاه همزمان جریان دارد. نمایشگاه کالا و نمایشگاه روابط اقتصادی. نمایشگاه اول، بهانه برگزاری نمایشگاه دوم است. نمایشگاه اول خاتمه می یابد، نمایشگاه دوم با جدیت بیشتر به کار خود ادامه می دهد. جمهوری اسلامی برگزار کننده نمایشگاه اول است و شرکت کننده نمایشگاه دوم، هم اوست که در نمایشگاه دوم، اقتصاد ویران کشور را به نمایش می گذارد و از دوستان امپریالیستی اش - چه مدتهاست که هم دیگر را کشور دوست خطاب می کنند - می طلبد "مهر سرمایه" را به کشور جنگ زده سرازیر کنند.

البته عده ای "بازی خورده" که خود تحت تاثیر شعارها و تبلیغات پوشالی قرار گرفته اند، در هیات همان "حزب اللمی های" سابق در جریان مرادها و بده بستان ها، موش دوانی می کنند.

برخی از این افراد "نسل گذشته" رژیم، هنوز در همان فضای اقتصاد و سیاست جنگی نفس می کشند.

اخیرا همین عده بازمانده از نسل گذشته، همین کسانی که هنوز تلخی نوشیدن "زهر" آزارشان می دهد، همین کسانی که تفاوت مبلغین و طرف تبلیغات را نفهمیده اند، تفاوت بازیگر و تماشاچی را درک نکرده اند، همین کسانی که بین صحنه های کاملا متفاوت "امت همیشه در صحنه" و "مسئولین همیشه در صحنه" تفاوتی قائل نشده اند، نتوانسته اند چهره جدید اسلام دوران بازسازی را دریابند. "حرفهای غیرمسئولانه" می زنند و به روند بازسازی اهتمام متقابل بین بازسازی و دلار مقدس خدشه وارد می سازند. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در همان نماز جمعه پیش گفته به این بازماندگان نسل گذشته هشدار داد. روزنامه کیهان ۲۶ شهریور به نقل از خطبه های رئیس جمهور رژیم نوشت:

"وی خطاب به عده ای که حاضر به پذیرفتن مسئولیت نیستند و حرفهای نادرست می زنند، تذکر داد: ... دنیا در حال حاضر منتظر است تا چگونه بازسازی ایران و کیفیت را مشاهده کند و ما برای اینکه بقیه در صحنه

## نگاهی به فرقه های داخلی

فرقه های داخلی نمایشگاه تهران را، گفتی به نمایشگاه سبجات کرده اند. چیزی برای خالی نبودن هر ریزه، چه هم خودشان و هم کشورهای دیگر به خوبی می دانند که موضوع بر سر رقابت

اجناس داخلی با اجناس خارجی نیست، موضوع نمایشگاه البته بسط و گسترش مناسبات بازرگانی و تجاری است، ولی بسط و گسترش این مناسبات جاده ای یک طرفه است، از بیرون به داخل،

روزنامه کیهان ۲۶ شهریور ماه، گزارش مختصری از بازدید از فرقه های داخلی را به چاپ رسانیده است که ما آنرا همینجا بازتاب می دهیم:

<p>ظرف الومینیومی آنجا بود يك نفر پرسید که آقا این نمونه سموم که اینجا است را تولید میکنید؟ مسئول غرفه پاسخ داد که کارخانه تاسیس بشود از این نمونه تولید می کنیم، گفت کارخانه در چه حال است گفت به مناقصه رفتیم تا کارخانه آنرا پیدا کنیم و بعد بحریم.</p> <p>در کنار این غرفه غرفه شرکت سهامی پتروشیمی اراک بود، اینجا هم چندتا عکس بود، و بعد حدود ۲۰ عده ظرف که محصولات مختلف پتروشیمی در آن ریخته بود، سوال کردند که آیا محصولات شما اینهاست جواب دادند اگر کارخانه تاسیس شود اینها را تولید خواهد کرد، سائل از مسئول غرفه پرسید چه کسی می سازد و کی تمام می شود و... و مسئول غرفه پاسخ می داد که به شرکت های خارجی مقاطع داده شده که تا سه سال دیگر حاضر شود، بقیه اش با خداست و حدوداً ۷ کشور خارجی در ساختن آن دخالت دارند که به سازمانده تحویل دهند. اینجا تازه اول نمایشگاه بود،</p>	<p>بدهم.</p> <p>فرهنگ نمایشگاه مگر جز تبلیغ مصرف است؟ وقتی تولید نیست برای چه تبلیغ می کنیم؟ اتوبوس های بنز خاور که در تمام ایام خود وابسته هستند را مگر می فروشند پس برای چه تبلیغ می کنند؟ اگر تبلیغ برای ساختن است ساختن کدام قسمت آن؟ مونتاز؟ خانم های خانه داری بودند که با بچه ها ۵۰٪ جمعیت را تشکیل می دادند و برای گردش و تفریح خود و بچه ها آمده بودند و این تنها هدف سالم این نمایشگاه بود. بچه ها بستنی می خوردند سوار پله برقی و آسانسور می شدند، و بعد سوار اتوبوس های نمایشی متوقف صنایع سنگین می شدند و همینطور خود را سرگرم میکردند. بعضی ها هم با کله کج در مقابل بعضی از غرفه ها ایستاده بودند و در حال سوال و جواب که معلوم بود روحشان سخت گزیده شده است. در غرفه بانک ملی يك مقدار صنایع بود از جمله شرکت شیمی کشاورزی غرفه داشت چندتا</p>	<p>بطور مثال و ذکر نمونه طرح و نمایش مجموع فعالیت های کاشی سازی، که به هیچ عنوان قادر به پیدا کردن کاشی در بازار نیستیم به چه منظور است؟ صنایع چوب، صنایع غذایی، صنایع بافندگی، صنایع ماشین سازی و... در مورد شرکت این صنایع باید گفت که اولاً تمام این صنایع به عللی زیر ظرفیت کار کرده و همه وابسته اند و هیچ کدام جز به قیمت های سرسام آوری نمی توانند در اختیار مردم قرار گیرند. ثانیاً تولیدی ندارند که مشکل تبلیغ و فروش داشته باشند پس طرح و چه منظور است؟</p> <p>صنایع کاغذ سازی چه برای گفتن دارند، چهره آوردی را عرضه میکنند؟ و منظور از به نمایش گذاشتن آن چیست؟ نمایش چه و برای چه؟</p> <p>و همینطور مداد سازی، يك خانم معلمی در حالیکه شاهد مدادها بود، میگفت توی مدرسه جواب بچه ها را چه</p>
---	--	--

انبار می‌شود. شناسایی افراد، از طریق سیستم‌های اختصاصی پایگاه و بازاریه یک شماره ۹ رقمی و کد مربوطه هر یک از آحاد جمعیت کشور صورت خواهد گرفت.

معاون طرح و برنامه سازمان ثبت احوال هفته گذشته در گفتگویی با خبرنگاران در زمینه برخی از مختصات "طرح" گفت: از ویژگیهای این طرح که برای اولین بار اجرا می‌شود اصلاح سیستم ثبت احوال، ایجاد نظام پایگاه اطلاعات جمعیتی، تولید و نیز توزیع شماره شناسایی تک تک افراد کشور است.

### از میان دیگر رویدادها

محمد جواد لاریجانی مسئول روابط آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با "رومان دوما" وزیر خارجه فرانسه، از وی جهت سفر رسمی به ایران دعوت کرد که بنا به گزارش روزنامه کیهان ۱۷ شهریور "باگرمی مورد پذیرش قرار گرفت". بنا به همین گزارش، وزیر امور خارجه فرانسه گسترش روابط اقتصادی با ایران و انتصاب یک مشاور بازرگانی در تهران را اعلام نمود. وی در گفتگویی با رادیوی لوگزامبورگ اعلام داشته بود که "مادر مسیری که مصحمانه از سوی دولت فرانسه با اعتقاد به هادی سازی روابط برگزیده شده، پیش‌می‌رویم".

بر اساس طرح "اتوبوسهای ریالی" از این پس مسافران بجای استفاده از بلیت، پول نقد به راننده اتوبوس می‌پردازند. بر اساس این طرح امنیت شغلی هده کثیری از بلیطفروشان شرکت واحداث اتوبوسرانی به مخاطره می‌افتد. همچنین نفت خام پایه خاورمیانه "دوبی" تحویلی در ماه اکتبر در معاملات بازار آزاد معادل ۳۰ سنت کاهش یافت و به ۱۱/۹۷ دلار رسید.

گذشته قائم مقام کمیته‌های انقلاب اعلام داشت که در صورت تصویب طرح ادغام تشکیلات موازی انتظامی کشور، فرماندهی واحد متمرکز کمیته‌ها و ژاندارمری شامل واحدهای لجستیکی، آموزشی و... نیز خواهد بود.

معاون فرمانده کمیته‌ها در ادامه اظهارات خود به اجرای طرح و العادیات اشاره کرد و آماری از فعالیت‌های کمیته را ارائه داد. در پی انتشار سخنان معاون اطلاعات و عملیات کمیته در زمینه "طرح و العادیات"، روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری با صدور اطلاعیه اعلام کرد که "چنین طرحی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام نرسیده" است. و در واقع وزارت کشور با مسئولیت محتشمی خود راسا وارد عمل شده و در مقابل "مجمع" قرار گرفته است. بر زمینه اجرای طرح "و العادیات" بود که اخیرا محله جمشید تهران را بکلی منهدم کردند.

### جمعیت کشور بایک

#### شماره ۹ رقمی کدبندی می‌شود

طی سال‌های آینده هر ایرانی دارای یک شماره ۹ رقمی در پایگاه کامپیوتری "اطلاعات" کشور می‌شود و اورگانهای دولتی از طریق این "شماره" در فاصله کوتاهی می‌توانند به "اطلاعات" مورد نیاز خود در مورد هویت افراد کشور دست یابند. عملیات طراحی و اجرایی پایگاه مکانیزه اطلاعات جمعیت کشور از اول سال جاری آغاز شده و برای تکمیل پروژه آن ۳۰ میلیارد ریال اعتبار در اختیار وزارت کشور قرار گرفته است. در این پایگاه حداقل یک میلیارد داده اطلاعاتی در زمینه‌های تشخیص هویت و آمار انسانی و حقوقی

### مجازات اعدام برای سربازان فراری

سربازان فراری که تا ۱۸ مهرماه خود را به مراکز نظامی جمهوری اسلامی معرفی نکنند به دستور شورای عالی پشتیبانی جنگ به مجازات اعدام محکوم خواهند شد.

در اطلاعیه‌ای که روابط عمومی ژاندارمری در مورد مشمولان فایب و سربازان فراری انتشار داد، نوشت: به این وسیله به آگاهی کلیه مشمولان فایب می‌رساند برابر مصوبه شورای عالی پشتیبانی جنگ بایستی تا تاریخ ۱۸/۷/۶۷ خود را جهت ایزام به خدمت دوره ضرورت معرفی کنند.

این قبیل مشمولان چنان که خود را بعد از تاریخ اعلام شده معرفی کنند، علاوه بر میزان خدمت مقرر فعلی، یکسال به خدمت آنان افزوده شده و به ازای هر یک ماه تاخیر، دو ماه اضافه خدمت خواهند شد و در صورت دستگیر شدن، به ازای یک ماه تاخیر دو ماه اضافه خدمت و علاوه بر آن دو سال نیز به خدمت آنان افزوده خواهد شد. ضمنا سربازان فراری نیز چنانچه تا تاریخ ۱۸ مهرماه خود را معرفی ننمایند تا حد اعدام مجازات خواهند شد. در اطلاعیه قبلی که یک ماه پیش انتشار یافت، آخرین مهلت معرفی ۱۸ دی‌ماه ذکر شده بود.

### تشکیل فرماندهی واحد کمیته و ژاندارمری

در راستای ادغام نیروهای مسلح سپاه و ارتش، اقدامات عملی در "کمیته‌های انقلاب اسلامی" و ژاندارمری کشور آغاز شد. هفته

### وزیر تازه برای دولت موسوی

هفته گذشته میرحسین موسوی شش‌نامزد تازه وزارت را برای وزارتخانه‌های جهاد سازندگی، آموزش و پرورش، سپاه، نیرو، کشاورزی و بازرگانی به مجلس معرفی کرد. مجلس در جلسه ۲۹ شهریور، از میان شش نفر به ۵ وزیر رای اعتماد داد. ولی مجید هدایت زاده که برای پست وزارت بازرگانی معرفی شده بود، نتوانست حداقل آرای لازم را برای حضور در کابینه موسوی کسب کند.

در جریان بررسی عملکرد وزرای معرفی شده، اختلافات در میان نمایندگان بالا گرفت و برخی نمایندگان از جمله محتشمی تنها با تکیه بر اظهارات کتبی خمینی توانستند جای پای خود را در جمع وزرا حفظ کنند. مظفری نژاد نماینده تهران به هنگام دفاع از محتشمی به همین نامه خمینی استناد کرد و گفت: "امام در مورد وزیر کشور نیز نوشتند که جناب حجت الاسلام آقای محتشمی ایدهم الله‌عالی از دوستان قدیمی من و فردی متدین... است".

علیرقم فتوای کتبی خمینی، ۱۰۶ رای علیه محتشمی به صندوق ریخته شد.

پست وزراتی	نام	مجموع آرا	آرای موافق	مخالف	ممتنع
امور خارجه	علی اکبر ولایتی	۲۳۸	۲۲۵	۸	۸
دادگستری	حسن حبیبی	۲۴۴	۲۱۶	۱۴	۱۴
تلفن و تلگراف	محمدفرخی	۲۴۲	۲۴۲	۰	۰
سپاه پاسداران	علی شمعخانی	-	۲۰۲	-	-
جهاد سازندگی	فلامر ضارورش	-	۱۸۰	-	-
نیرو	نامدارزنگنه	-	۱۷۷	-	-
کشاورزی	کلانتری	-	۱۷۱	-	-
آموزش و پرورش	محمدعلی نجفی	-	۱۲۸	-	-
برنامه و بودجه	مسعود زنجانی	۲۳۹	۱۹۲	۳۱	۱۶
معادن و فلزات	محمد عزت‌اللهی	۲۴۱	۱۸۶	۲۲	۳۳
فرهنگ و آموزش عالی	محمد فرمادی	۲۴۱	۱۷۶	۵۳	۱۲
اقتصاد و دارایی	محمد ایروانی	۲۴۵	۱۷۵	۴۶	۲۴
وزیر ارشاد	محمد خاتمی	۲۴۷	۱۷۵	۵۷	۱۵
راه و ترابری	محمد سعیدی کیا	۲۳۵	۱۶۶	۵۳	۱۶
نفت	آقا زاده	۲۴۴	۱۶۳	۶۳	۱۷
اطلاعات و امنیت	محمد ریشتری	۲۴۳	۱۵۴	۶۶	۲۳
دفاع	محمد حسین جلالی	۲۴۴	۱۳۸	۶۹	۳۷
صنایع	محمد شافعی	۲۴۲	۱۳۴	۸۷	۲۱
کار و امور اجتماعی	ابوالقاسم سرحدی زاده	۲۴۴	۱۳۳	۹۷	۱۴
کشور	علی اکبر محتشمی	۲۴۵	۱۳۳	۱۰۶	۶
صنایع سنگین	بهر ادیبی	۲۴۴	۱۲۸	۹۹	۱۷

## استادشهریار

### درگذشت

بامداد روز یکشنبه ۲۷ شهریور استاد محمدحسین شهریار شاعر فزلسرای معاصر ایران در سن ۸۳ سالگی در بیمارستانی در تهران دیده از جهان فرو بست. پیکر استاد روز سه شنبه در میان اندوه انبوهی از جمعیت شهر تبریز، در گورستان شاعران آذربایجان به خاک سپرده شد. شهریار متولد «خوشکناپ» از قرای توابع تبریز بود.

استاد شهریار از چهره های برجسته شعرای معاصر ایران بود. وی در انواع قالب های شعر فارسی، به ویژه غزل شعر سروده است. اولین مجموعه سروده های شهریار به سال ۱۳۰۷ با مقدمه ای به قلم ملک الشعرای بهار و سعید نفیسی انتشار یافت. دیگر آثار استاد در مجموعه ای بنام «دیوان شهریار» چاپ شده است.

منظومه بلند «حیدر بابایه سلام» که به زبان آذری سروده شده، از شاهکاری های شهریار و از آثار ماندگار ادبیات آذری است. در این اثر قدرت شگرف تخیل، تصویر پردازی، ابداع، فنیای کلام و زبان، تسلط بر مصطلحات و تعبیرات همایانه و زبان محاوره ای شاعر به بارزترین گونه تجلی یافته است.

«حیدر بابایه سلام» به لحاظ در آمیختگی زبان دل انگیز همایانه با جاذبه های فولکلوریک و لطافت احساس، از سایر سروده های شاعر چون «سعدیه» پر آوازه تر است. منظومه بلند «حیدر بابایه سلام» در اشعار نخست گفتگوی ست شورا انگیز

و اثیرگون با «حیدر بابا» و سخنی از آرزوهای مردمی شاعر و شکوه ای از شب های بلند مهر و قربت و در پی آن، اشعاری است که شاعر تحت تاثیر وصال «کوه حیدر بابا» سروده و نگاهی است از پنجره خیال به باغ خاطره. در این بخش شاعر از گذشته و از هم بازیهای دوران کودکی بایبانی سرشار از سادگی و صفای مردمی یاد می کند و در پایان از «حیدر بابا» می خواهد که طنین آوایش را به گوش جویباران زمزمه کند.

آنچه در این صفحه می خوانید گزیده ای از منظومه «حیدر بابایه سلام» است.

## حیدر بابایه سلام

حیدر بابا، مردا و نولار دو فکینان،  
نامردلرین، بور و نلارین اوو گینان،  
گدیگر ده، تور دلاری توت بو فکینان،  
توی توزولار، آیین غایین او تلا سین،  
تویو تلارون، تویور و تلارین قاتلا سین!  
حیدر بابا، گو یلر بوتون دو مانی  
گو نلریمیز بیر جیریندن، یاماندی  
بیر بیر زدن آیر لمایون آماندی!  
یاخشلیقی، الیمیز دن آلیلار!  
یاخشلی بیزی، یامان گونه سالیلار!  
بیر او چیدیم، بو چر پیتان یگینین  
با قلا شیدیم، داقدان آهان سگینین  
آقلا شیدیم، او زاق دوغن ائگینین  
بیر گوریدیم، آیرلیقی کیم سالدی!  
او لکه میز ده کیم قرلدی کیم قالدی!  
من سنون تک، دا قاسالدم نفسی،  
سنده قیتر دا قتلار اسال بو سسی،  
با یقو شو نده، دار الماسین قفسی  
بور دایر شر دار دا قالیب با قیرر!  
مر و تسیر، انسانلاری چاقیرر!  
حیدر بابا، شیطان بیز آن دیر یپ  
محبتی اور کلر دن تاز دیر یپ  
قره گونون، سر نو شتین یاز دیر یپ  
سالیب خلقی بیر جیرینین جاننا!  
بار شیخی بلشدیر یپ قاننا!

حیدر بابا در خود فرزند ان دلیر بپرور  
و چوزه نامردمان روزگار رابه خاک برکش  
زوزه گر گهار ادر گردنه ها خاموش ساز!  
بگذار تا بره هادر آرمش بیاساند  
و گو سفندان پروار شوند  
حیدر بابا آسمان تیره و طوفانی  
و روز هایمان دشوار و ناگوار است  
مبادا از یکدیگر جدا شوید  
مهربانی و نیکویی را از ما گرفته اند  
بر چه خاک سیاهی ما را نشانده اند  
ای کاش یکبار، با باد تند آسما و ج می گرفتم  
و با سیل خروشان کز فراز کوه سر از پرست، می تاختم  
با خلقتی تک افتاده همراز و همدردمی شدم  
کاش در می یافتم بنیاد جدایی را که پی افکنده است  
و در ز اد گاهمان کی مرده، کی بجاست  
من آوایم را چون تو به کوه رساندم  
تو پوز واک آن رابه کوهما و آسمانها بر سان  
کاش حتی جغد شوم هم رها از تنگنای قفس باشد  
اینجا شیری است که از تنگنای دردمی فرد  
و آدمیان بد کردار از نهار می دهد  
حیدر بابا، اهر من مار افرینفته  
محبت هار از دل هاز دوده  
و سیاه بختی را ر قم زده  
خلق رابه جان همه انداخته  
و صلح را در خون نمشته است

## نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

امکانات داخلی، دولتی و مردمی از تخصص، علم، دانش فنی و منابع مالی دیگران نیز استفاده می شود.

روزنامه کیهان در ادامه نقل سخنان خامنه ای نوشت: «وی از افراد ناآگاه و بی مسئولیت خواست که از ایراد حرفها و شعارهای پوچ و بی محتوا بپرهیزند و از متشنه کردن افکار مردم خودداری کنند.»

بدین ترتیب مقدمات بازسازی مقدس با مشارکت نیروهای مردمی داخلی - بورژوازی و کلان سرمایه داران - و منابع مالی دیگران - دلار مقدس و اهوان و انصارش - پی ریخته می شود. با این همه، همه مسئولین رژیم سیاست «درهای باز» را محکوم می کنند، ولی فراموش می کنند که به مردم بگویند که تخصص، علم، دانش فنی و منابع مالی دیگران، دیر زمانی است که برای رفت و آمد، از «مرزهای زمینی» استفاده نمی کنند!

نمایشگاه اول خاتمه یافت. نمایشگاه دوم به کار خود ادامه می دهد. نمایشگاه دوم، نمایشگاه جدیدی در وابستگی اقتصادی کشور است.

پرواضح است که کدام «مردم» مدنظر می باشد.

خامنه ای در اخطارنامه خود به افراد غیر مسئول که حرفهای نادرست می زنند، گفت: «همه ای هنوز در این مسئله تردید دارند و در استفاده از منابع مالی خودمان نیز هنوز تنگ نظری هایی وجود دارد.» خامنه ای با اضافه کردن کلمه «هنوز»، صریحا بیان می کند که این عده غیر مسئول هنوز تردید دارند و تنگ نظری می کنند، حال آنکه «ما» یا اصولا هیچگاه تردید و تنگ نظری نداشتیم و یا داشتیم و اینک دیرگاهی است که نداریم. خامنه ای خطاب به این عده «مقب مانده» گفت: «علی رغم اینکه بارها بوسیله مسئولین و حتی بوسیله حضرت امام در زمینه چگونگی استفاده از امکانات کشور در بخش های کشاورزی، خدمات، تجارت و غیره، اصول کار تصریح شده است، بجز اساس یک بینش خیالی هنوز عده ای تصور غلط دارند.»

وی تاکید کرد: «برای بازسازی کشور باید تمامی امکانات کشور به کار گرفته شود. و در این راه ضمن استفاده از

بقیه از صفحه ۳

بازسازی را در مدت زمان معقول تحقق دهیم، به منابع داخلی و به تخصص و منابع خارجی نیاز مندیم.»

رئیس جمهور رژیم حتی پیش از این اظهار بیان کرد: «در بازسازی، مسئولین و کارشناسان داخلی تصمیم می گیرند و برنامه ریزی می کنند، ولی در صورت نیاز از کمک و همکاری دیگران استفاده خواهد شد.» این دیگر بی گمان «شاه بیت» سیاست اقتصادی کشور است. خامنه ای صرفا از استفاده از تخصص و منابع خارجی سخن نمی گوید، بلکه سخن از «همکاری دیگران» در عرصه «تصمیم گیری و برنامه ریزی» می گوید. منابع خارجی نیازی به تفسیر و شرح ندارند، چه رژیم تصمیم خود را در این زمینه گرفته است و از هم اینک این منابع خارجی و رژیم هم دیگر را کشورهای دوست خطاب می کنند. اما «منابع داخلی» کدامند؟ منابع داخلی بی گمان امکانات دولتی نیستند، این منابع داخلی همان «مردم» سخنان حمینی می باشند، همان مردمی که باید کار را برعهده بگیرند و البته

# سال تحصیلی برای ۱۳ میلیون دانش آموز کشور آغاز شد



بقیه از صفحه اول

در قبال وظایف آموزشی کشور از خود سلب مسئولیت کرد. طرح آموزش تلویزیونی و "سال تحصیلی جبرانی" که برای جلوگیری از افت تحصیلی و رکود آموزشی اجرا شد در عمل از آنجا که منطبق بر واقعیت ها نبود، نه تنها ارزش آموزشی نیافت بلکه هزینه های آن بار سنگینی شد بر پیکر نحیف بودجه آموزشی کشور. بخاطر توقف فعالیت آموزشی در نیمه دوم سال تحصیلی گذشته، افت تحصیلی به بالاترین سطح در دوره نظام آموزشی کشور رسید. آثار زیانبار رکود تحصیلی سال های اخیر و بویژه سال گذشته علیرغم کتمان مسئولان آموزشی جمهوری اسلامی از هم اکنون نمود یافته است و رقم آن به بیش از ۲۰ درصد های وزیر آموزش و پرورش می رسد.

اگر افت تحصیلی سال های ۶۳-۶۴ را به عنوان پایه و رقم متوسط رکود تحصیلی در نظام جمهوری اسلامی مینا قرار دهیم، آن گاه می توانیم به حداقل موافق جبران ناپذیر "افت تحصیلی" سال گذشته پی ببریم. در سال ۶۴، بنابه آمار دولتی مردودی پسران در دوره ابتدایی به طور متوسط حدود ۱۴ درصد و دختران ۱۱ درصد بوده است. در این دوره بیشترین میزان مردودی مربوط به کلاس اول دبستان با متوسط رقمی بالای ۲۲ درصد بوده است. در سال ۶۴، میزان مردودی در دوره سه ساله راهنمایی در مورد پسران ۲۹٫۷۵ درصد و دختران ۲۳٫۵۳ درصد بوده است. در این سال از ۱۸۷۵۱۹ نفر دانش آموز چهارم متوسطه ۵۰ درصد مردود شده بودند. رکود آموزشی علاوه بر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، بازیان مادی نیز همراه است. در هر دوره که دانش آموزی مردود می شود، برای آموزش مجدد به بودجه نیاز دارد. بنابه اظهار یکی از سخنرانان "کنفرانس ریاضی" آموزش و پرورش هر ساله ۱۰۰ میلیارد ریال هزینه اضافی برای افت تحصیلی پرداخت می کند. افت تحصیلی و سطح نازل

علمی و فرهنگی، محوریت دانش آموز از خدمات یکسان آموزشی، تغییر اجباری گرایش های آموزشی را در پی دارد. با تغییر گرایش ها، توزیع متناسب دانش آموزان در میان رشته های علوم ریاضی، تجربی، علوم انسانی، علوم اقتصادی و اجتماعی، هنر و شاخه صنعت و خدمات به سمت افزایش کمی دانش آموزان در رشته های علوم انسانی و خدمات دگرگون می شود و پشتوانه علمی کشور در زمینه علوم ریاضی و تجربی از بین می رود. آمار بیانگر رشد این روند طی سال اخیر در نظام جمهوری اسلامی است. در سال تحصیلی ۶۴-۶۳ تعداد فارغ التحصیلان کلاس چهارم در رشته ریاضی و فیزیک ۱۰۹۵۱ نفر (۷/۶ درصد) و رشته اقتصاد و اجتماعی ۷۱۷۵۳ (۵۰٫۶۵ درصد) بوده است. در کشور سال جاری نیز از ۶۰۳ هزار داوطلب شمار داوطلبان علوم انسانی ۲۴۲ هزار نفر و گروه ریاضی ۹۶ هزار تن بوده است.

## کمبود معلم

در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ وزارت آموزش و پرورش با ۴۰ هزار نفر کمبود معلم مواجه بود. در فاصله دو دوره تحصیلی بیش از ۱٫۵ میلیون نفر بر شمار دانش آموزان افزوده شده است. در این مدت آمار معلمان تغییر قابل ملاحظه ای نسبت به گذشته نکرده است. ۱۸ هزار تن استخدام شده اند و در مقابل ۱۰ هزار نفر از معلمان تحت عنوان ماجوریت سازمانی به سپاه پاسداران انتقال یافته اند. در آذرماه سال گذشته تصمیم گرفته شد که این عده به عنوان مربی آموزش نظامی در پایذگانهای نظامی فنون رزمی را فراگیرند و در مراکز بسیج پاسداران انجام وظیفه کنند. گزارشات مطبوعات دولتی حاکی است که علیرغم بیکاری گسترده در کشور رقبیت جوانان به فعالیت در آموزش و پرورش کمتر شده است. در سال ۶۳ از میان قبول شدگان مرکز تربیت معلم ۳۷ نفر از ادامه تحصیل در این مرکز و

خدمت در آموزش و پرورش منصرف شده اند. در سال تحصیلی گذشته نیز برای ۲۲ هزار پست خالی شغل معلمی وزارت آموزش و پرورش، فقط ۱۸ هزار تن داوطلب شدند. کمبود حقوق و امکانات رفاهی، تاکید رژیم بر مکتبی بودن معلمان دامنه کمبود معلم را گسترش داده است. در سال گذشته برخی از مدارس دخترانه از آنجا که معلم زن برای تدریس ریاضی و علوم تجربی نداشتند، این رشته ها را از فعالیت آموزشی خود حذف کردند

## کمبود فضای آموزش

برای آن که کمبود فضای آموزشی در همین سطح فعلی متوقف نگه داشته شود، سالانه باید حداقل ۴ هزار واحد آموزشی جدید برای یک میلیون دانش آموز "واجب التعلیم" ساخته شود. بیلان رژیم در این عرصه نیز سیاه است. طبق گزارش دولتی در بودجه سال ۶۴، فقط برای احداث ۱۰۵ واحد آموزشی اعتبار تخصیص یافته بود. در سال های ۶۵ تا ۶۷ نیز همین سیاست پی گرفته شد. اگر در سال ۶۴، کلاس درس در اتوبوس دو طبقه اسقاطی شرکت واحد تشکیل شد در سال ۶۷ از ساعت آموزشی دانش آموزان کاستند و مدارس را ۴ شیفته کردند که خود یکی از عوامل مهم افت تحصیلی بوده است. با اجتناب از تاسیس مدارس تازه، وزارت آموزش و پرورش به یکی از بزرگترین مستاجران کشور بدل شده است. سیاست اجاره نشینی برای جبران کمبود فضای آموزشی، موجب شده است که سرنوشت دانش آموزان کشور، دستخوش تعیالات مالکان و تاجران بازار باشد. همه ساله در

استانه سال تحصیلی به درخواست مالکان و با تأیید "حکام شرع" اثاثیه ده ها مدرسه تخلیه می شود و هزاران دانش آموز بلا تکلیف می مانند. اکنون وزارت آموزش و پرورش ۳۶۸۵۳ باب مدرسه استیجاری در اختیار دارد. ۹۵۳ باب از مدارس در استان تهران و ۸۷۱ باب در شهر تهران قرار دارند که بابت اجاره آنها سالانه حدود ۱۰۰ میلیون تومان از بودجه آموزش و پرورش به صاحبان مستغلات پرداخت می شود.

## شهریه و مشکل ثبت نام

ادامه تحصیل یک دانش آموز و دانشجوی در شرایط جاری برای هر خانواده با هزینه هنگفتی همراه است. قیمت روپوش، کیف و کتاب روز بروز گرانت می شود و نوشت افزار به کلی نایاب است. در مدارس نیز از مردم به هنگام ثبت نام فرزندان خود زیر پوشش توجیحات "شرعی" اخاذی می کنند. پرداخت کمک های نقدی "به جای شهریه" شرط ثبت نام شده است. اگر از پرداخت "کمک نقدی" که اصلا هم اجباری نیست خودداری شود، طبق بند اول "بخشنامه شرایط ثبت نام" به بهانه اینکه "گنجایش منطقه ای" تکمیل است، در هیچ مدرسه ای جای خالی یافته نخواهد شد. در این زمینه نوشته یکی از روزنامه های کشور گویاست: "مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران فرمودند ما با مردم چیزی پشت پرده نداریم و صراحتاً اعلام می کنیم که به کمک های مردمی نیاز مندیم... با چاپ قبوض مخصوص در سه نسخه، اخذ شهریه تقریباً رسمیت دارد، منتهی به نام کمک های مردمی."

## کودکان و آموزش در بلوچستان

کودکستان وجود ندارد. به فرض آنکه کودکستانی هم در کار باشد، بخاطر وضعیت اسفبار بهداشت و درمان کودکان در بلوچستان، شدت مرگ و میر در میان آنها چنان گسترده است که بسیاری شان قبل از آنکه به مدرسه گام نهند، قلب کوچکشان از کار می ماند.

علاوه بر این کودکان بلوچ از بالای خانمانسوز اعتماد هم در امان نیستند. هم اکنون کم نیستند خانواده هایی که تمامی اعضای آنها اسیر چنگال مرگبار اعتمادند. اعتماد کانون های خانوادگی بسیاری را فروپاشانده و از این رهگذر بیشترین لطمه نصیب کودکان شده است.

از کنکاش در سایر عرصه های مربوط به کودکان و آموزش در بلوچستان نیز نتایج بهتری بدست نمی آید. پاسداران بیعدالتی و ستم چشم انداز تیره ای برای سازندگان فردا تدارک دیده اند. چشم اندازی که تنها با تشدید مبارزه عدالتجویانه و گسترش عنصر آگاهی تغییر خواهد کرد.

به آن راه یافتند. اما در نتیجه سیاستهای ضد خلقی و شوونیستی رژیم خمینی تاکنون بیش از نود درصد کل دانشجویان بلوچ این دانشگاه - دانشگاه زاهدان - که از سال ۵۴ بدینسو پذیرفته شده بودند، از آن اخراج شدند و در حال حاضر کمتر از ده درصد دانشجویان این دانشگاه را جوانان بومی تشکیل می دهند.

در مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان ها نیز به علت سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه خلق بلوچ گسست دانش آموزان از مراکز آموزشی روبه افزایش است. زیر سایه ارتجاع حاکم، کودکان کمتر از شش سال بلوچ هم از محدوده کودکستان های موجود در منطقه محروم شده اند و شاید بتوان گفت دیگر در سراسر این سرزمین ستم زده حتی یک

یک پدیده رایج تبدیل شده است. بسیاری از کودکان بلوچ از آغاز تولد یا اوان کودکی در حسرت آغوش پدر چشم براه بازگشت او از مهاجرت تحصیلی بوده اند و بسیاری دیگر نیز همراه پدر و مادر آواره کشورهای حوزه خلیج فارس شده اند. این کودکان رنج دیده چه در مهاجرت و چه در بلوچستان معمولاً از حضور در مراکز آموزشی محروم اند. تعداد مراکز آموزشی در بلوچستان همواره معدود بوده و به هیچ وجه پاسخگوی نیازها نیست. مراکز هم که دایرند علاوه بر داشتن کیفیت بسیار پایین آموزشی کمترین تناسبی با خواستها و نیازهای فرهنگی خلق بلوچ ندارند. به عنوان مثال چه در گذشته و چه در امروز ضرورت آموزش کودکان به زبان مادری به کلی انکار میشود. این ویژگی ها آندسته از نوباوگان بلوچ را که می توانند در مراکز آموزش ابتدایی حضور یابند در چنان شرایط دشواری قرار میدهند که از همان ابتدا حس گریز از مدرسه در آنها پدیدار می شود.

گشایش مراکز تعلیم و تربیت در بلوچستان از سال ۱۳۱۰ به بعد اتمام به طور محدود آغاز شد. کمبود امکانات آموزشی در بلوچستان بحدی بود که تا سال ۱۳۵۰ تعداد بلوچهایی که با تحمل دشواری های فراوان و بدور از خانواده هایشان توانسته بودند از دانشگاه های کشور فارغ التحصیل شوند از ۲۱ نفر تجاوز نمی کرد و تنها از سال ۵۰ به بعد بود که تحولی در وضعیت آموزشی این مرزوبوم ایجاد گردید و زمینه های جذب به مراکز آموزشی و راهنمایی به مراکز آموزش عالی تا حدودی گسترش یافتند. اما جمهوری اسلامی همین حد از تحولات آموزشی را هم نتوانست تحمل کند. زیرا که طی سال های انقلاب و پس از آن تعداد در خور توجهی از جوانان بلوچ از میان آنان که به دانشگاه راه یافته بودند سریعاً به مبارزات اجتماعی پیوستند و در نتیجه یا از ادامه تحصیل محروم شدند و یا روانه زندان ها گردیدند.

بلوچستان در سال ۵۴ صاحب دانشگاه شد و تعدادی از جوانان بلوچ

روز شنبه اول مهرماه، دهها هزار کودک ایرانی سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. صدای هلهله آنها همچون پرتوی از زیبایی های زندگی به پیکر آینده نوری افشاند. سازندگان آینده پشت نیمکت های کلاس درس می نشینند و آموزش های تازه ای را تجربه میکنند.

با این همه بخش هضمی از کودکان جامعه ما امکان راهیابی به مدرسه را ندارند. دشواری های زندگی - یک زندگی سرشار از فقر و رنج - آنها را به بیرون از مدرسه تبعید می کنند. حال آنکه بهره مندی از امکانات آموزشی طبیعی ترین حق هر کودکی است.

محرومیت کودکان از امکانات آموزشی در جهان ما، جهانی که تجهیز تک تک افراد جامعه انسانی به دانش و تکنولوژی امری گریزناپذیر تبدیل شده است، در جهانی که پیشرفت و ترقی هر کشوری با درجه رشد و آگاهی علمی افراد آن گره خورده است، راستی یک فاجعه اجتماعی است. ابعاد این فاجعه در ایران بسیار بزرگ است.

فقر امکانات آموزشی که بر بستر فقر مادی و فرهنگی پامیگیرد بویژه در میان اقلیت های ملی کشورمان نمود بارزی دارد. کردها، ترکمن ها، بلوچ ها و... همه و همه به درجات گوناگون از کمبود و حتی نبود این امکانات رنج می برند. برای ارایه تصویری هینی تر به بازگویی جنبه هایی از وضعیت کودکان و آموزش در بلوچستان می پردازیم: داغ ستم ملی و طبقاتی از اولین سال های زندگی بر چهره نوباوگان بلوچ نقش می بندد. طی دهها سال سیاست شوونیستی حکومت های مرکزی، بلوچستان با تمامی امکانات سرشارش به چنان محیط عقب مانده ای تبدیل شده که بی ثباتی اجتماعی یکی از شاخص ترین خصیصه های آن است و کودکان بلوچ بیشتر از همه از این بی ثباتی آسیب دیده و رنج برده اند. در پنجه بیکاری، فقر، اعتماد و در بدری گرفتارند. دهها سال است که در جستجوی نان مهاجرت اجباری از بلوچستان به

### تصحیح و پوزش

در شماره گذشته نشریه (شماره ۲۲۵) در تنظیم و تایپ مقالات برخی اشتباهات رخ داده است که با پوزش از خوانندگان، تصحیح میشود:

- در صفحه ۲ در ستون دوم مقاله "رای اعتماد مجلس..." در ابتدای پارگراف "محور ملی" قلمطو "هواملی" درست است.
- در صفحه ۶ سطر ۱۴ مقدمه، رقم درست ۱۳۵۴ است.
- در صفحه ۸ سطر اول مقدمه، شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) درست است.
- در جدول صفحه ۱۱ اولین رقم در ستون "تولید ناخالص داخلی" ۷/۴ آمده است که صحیح آن ۱۷/۴ است.
- در مقدمه صفحه ۱۲ در ستون دوم سطر ششم "ارگان" قلمطو "ارگان" درست است.

### کمک های مالی رسیده

- بیاد ز ندانی سیاسی از یولند - دانمارک ۳۰۰ کرون
- کمک به خانواده زندانیان سیاسی و فدائیان خلق از دانمارک ۱۱۰ کرون
- کمک به خانواده زندانیان سیاسی و فدائیان خلق از دانمارک ۳۰۰ کرون
- کمک به نشریه کار و نشریه اکثریت از دانمارک ۲۳۴ کرون
- کمک از سالی از شهر امئو سوئد ۴۴۸ کرون
- کمک از سالی از شهر امئو سوئد ۴۰۰ کرون
- کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دوستان اران سازمان در آتن یونان ۲۴۰۰ در اخم
- برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از هاور نروژ ۴۰۰ کرون
- برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دراسن نروژ ۳۰۰ کرون

در هفته‌های اخیر، حول کانون حاد گزینش وزراء، بار دیگر مجلس شورای اسلامی به مرکز خودانشاگری رژیم بدل گردید. نطق‌های متعارف پیش و پس از دستور، به نطق‌های کوبنده علیه "وزراء غیر" تغییر شکل داد. نمایندگان مجلس در موافقت و مخالفت با کارکرد این و یا آن وزیر، اسناد را از بایگانی محرمانه بیرون کشیدند و به زمین زدند. نه تکیادت خمینی و نه دندانه‌های از

خشم به هم آمده رقیب، مانع از خودانشاگری رژیم نگردید. محور اصلی خودانشاگری رژیم، دزدی و اختلاس و رشوه‌خواری و فساد مالی بود که گفتی تمام دستگاه حکومتی را بلعیده است. خودانشاگری رژیم، گرچه تازگی ندارد ولی حدت این دور آن، مسئله‌ای کاملاً تازه بحساب می‌آید. از آن گذشته، اینبار همه "سند" در دست دارند. هر کس علیه مخالفین خود، سندرو می‌کند

و آن دیگری علیه اولی. اسناد افشا شده تلنبار می‌شوند. مقاصد و اهداف خود انشاگری گاه برآورده می‌شوند، وزیری، مسئولی برکنار می‌گردد و عده دیگری کرسی‌های خالی را تصاحب می‌کنند. اما کماکان نظم بازی باقی میماند، یعنی دزدان کماکان به کار شرعی خود ادامه می‌دهند، اختلاس، رشوه‌خواری و فساد مالی با پیگیری دنبال میشوند. از آن نمونه است، اسنادی که

هادی ففاری در مجلس شورای اسلامی علیه دزدیهای کلان صورت گرفته در وزارت سپاه، مسکن و شهرسازی، صنایع، اطلاعات، بهداشت و دفاع، رو کرده است. همه این اسناد در مطبوعات درج شده‌اند، اما آنچه از تیغ سانسور گذشته است، به خوبی گواه فساد و پوسیدگی دستگاه حکومتی فقهاست. ما گوشه‌هایی از سخنان هادی ففاری را هینا بازتاب می‌دهیم:

## سرکردگان فاسد جمهوری اسلامی چگونه سرمایه‌های کشور را به تاراج داده‌اند

از وزارت سپاه آغاز می‌کنم.

این وزارتخانه برای خرید، سرباز به گوشه و کنار دنیا می‌فرستد و برگه تعیین صلاحیت اینها وقتی به حفاظت اطلاعات می‌رسد که برایشان پاسپورت صادر شده و بایک چندان دلار به اروپا و یا هر جای دیگری اعزام شده‌اند. به فرض اینکه حفاظت اطلاعات از طریق منابعی زودتر مطلع شود، باز اعمال نفوذ می‌نمایند که باید فلان کسی برود. وقتی مامورین خریدش به خارج اعزام و با کشوری وارد معامله می‌شوند، بدون آنکه حداقل اطلاعات عمومی را راجع به آن کشور داشته باشند، برای خرید تعداد کمی موشک مجبور می‌شوند که تعداد زیادی گلوله توپ به اجبار خریداری نمایند. پس از عقد قرارداد و پرداخت چند برابر وجه هرچه معموله می‌رسد فقط گلوله توپ است و بخری در نهایت از موشک نیست.

دوره کردها و ستروندهای اروپایی با کمک سلطنت‌طلبان و دیگر گسروهمهای ضد انقلاب در کسوجه و خیابانهای اروپا و در هتلها دربدر دنبال مامورین خرید وزارت سپاه می‌گردند، و اگر آنها را بیابند راجع به یک جنس پنجل آنقدر بازار گرمی می‌کنند تا اینکه مامورین خرید راضی می‌شوند هر کدام را چند صد دلار از قیمت رقیب ارثی بخرند تا افتخار و اعتبار خریدش و نسوع آن میزان آنها گردد. از دیگر خصوصیات این وزارتخانه است که در خرید میزان احتیاجات در نظر گرفته نمی‌شود. میزان تقاضا بستگی به میزان موجودی جنس و نوع آن میزان حق العمل و پورسانت و حقا اشباع روانی خریدار دارد گاهی می‌روند تا مصرف کبریت چند سال کشور را یکجا خریداری نمایند و با مخالفت عقلامواجه می‌شوند و گاهی قبل از آنکه قتای محروم و گمنام این وزارتخانه و دستگاه حساس اطلاعاتی متوجه شوند، قرارداد خرید جنسی همانند پیشینه

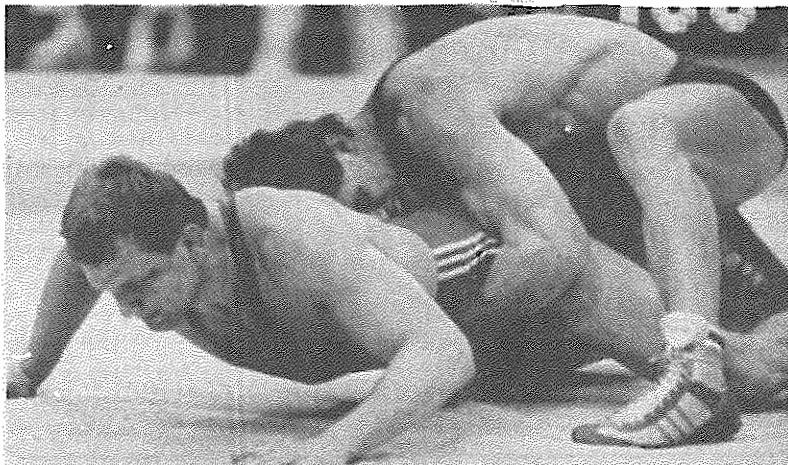
مطالب دیگر خریدهای گران است که یا از سرنا آگاهی یا بایک برنامه از پیش طراحی شده انجام می‌گیرد. در مورد اول عدمای بی اطلاع و بدون سواد فنی به دنبال خرید می‌روند و طبیعی است که هر کس می‌تواند آنها را فریب دهد. چون هیچ قیمت مقایسه‌ای وجود ندارد و علاوه بر آن رقبای وزارت مسکن است بلافاصله پس از خروج گروه اول، از درب شرکت وارد شده و باقیمت بالاتر معامله را تمام کرده و گروه اول را ناکام بگذارد. در صورت عدم موفقیت گروه دوم حتی ممکن

است گروه سوم یا چهارم نیز از همان معاونت به شرکت مراجعه و همان نیازمندی را با قیمت متفاوت باقیمت‌های قبلی مطالبه و معامله نمایند یا از فروشنده تقاضا کنند که برای یک کالا قیمتی تاچهل برابر بدهد و وقتی با تردید و وحشت فروشنده که نگران بوده معامله پس از کشف موضوع در سطح قیمت اصلی هم انجام نشود، و روبرو می‌شوند از موضع وزارتخانه‌ای که نام آن مترادف بانام شهیدان است می‌گوید، نگران نباش اینها تمامشان احمقند و اینجاکسی نیست تا این موضوع را بهمند. موضوع دیگر آنقدر بزرگ است که کسی توان و جرات رسیدگی به آنها را ندارد. دریک معامله خارجی دیگر قیمت‌های اصلی با مبالغی که پرداخت شده آنقدر تفاوت دارد که مساله همین‌طور تا به امروز مسکوت مانده است و بالاخره کار به جایی می‌رسد که مدیر فروش یکی از کارخانجات خارجی سازنده وسایل برقی به خاطر از بین رفتن اعتبار کارخانه و شرکتش نامه خصوصی برای وزارت ارسال داشته و می‌نویسد تمام قیمت‌های داده شده به وزارت حتی از جانب نمایندگی ایرانی شرکت غیرواقعی و گران است و بیکاش که ارسال این نامه سودی داشت. هیچکس نتوانست بفهمد که آخر دستگاه مورد

نظر به چه قیمتی خریداری شده، از دیگر کارهای خلاف متداول در امر خرید یکی دفاعی قلمداد کردن اجناس معمولی و گاهی موجود در کشور است که این کار برای فرار از استعمال قیمت و مقایسه قیمت باقیمت‌های نازلی است که توسط دیگر وزارتخانه‌ها یا شرکتها سازمانها از شرکت‌های خارجی استعمال گردیده است (اگر برادران خواستند اسناد تمام مطالب را که تا حدود ۸۰-۹۰ سند ذکر کرده‌اند دوستان می‌توانند تماس بگیرند و بدهم خدمتشان که مطالعه کنند). شیوه دیگر تقلب و استفاده بی‌رویه از مواد قانونی است و هرچند که این وزارتخانه به قانون کاری ندارد - که به وزارتخانه‌ها اجازه ترخیص کالا می‌دهد. آنها یا مانند یک بنگاه خصوصی کالای سرمایه‌داران و خرابکاران را در قبایل اخذ حق‌العمل فردی یا وزارتخانه‌ای ترخیص می‌کنند و یا بعضی از کالاها را بسیار بیشتر از نیاز خود وارد و مازاد بر احتیاج را در بازار آزاد می‌فروشند.

اگر ما مهات کم داریم پس چرا در نگهداری آنها اینقدر سهل‌انگاریم که زاغه‌ها و سیلوهای گران قیمت یکی پس از دیگری طعمه حریق و انفجار می‌گردند. و اگر مستندیم که این انفجارها ناخواسته بهر دلیل که حادث شده باشد لطمه‌ای بوده بر منابع ارزی کشور و ضربه‌ای مستقیم برونند جنگ پس چرا همین‌این حوادث بجای تنبیه به معاونت و زیرشدن تنبیه می‌شوند. آیا کیفی سهل‌انگاری در نگهداری





صحنه‌ای از مسابقات کشتی‌فرنگی المپیک. هیچیک از چهار شرکت کننده ایرانی به مرحله نهایی مسابقات نرسیدند. ویرانگری‌های رژیم جایی برای درخشش‌های فردی هم نگذاشته است.

## المپیک: زیبایی و توانایی، شادمانی و حسرت

شادمانی هموطنانش را به همراه دارد. هر چند که حکومت‌های ارتجاعی می‌کوشند این شادمانی‌ها را در راستایی ضد مردمی و ستیزه‌جویانه سمت دهند اما خود این عواطف و همبستگی‌ها بسیار شریف‌اند. در این میان همبستگی‌های آرمانی نیز برای خواست پیروزی ورزشکاران این یا آن کشور جایگاه خاص خود را دارد.

ایرانیان در سراسر جهان با احساس قم و دریغ ویژه‌ای به المپیک نگریستند. قم آنچه که می‌توان در این میدان عرضه کرد و آنچه که بر اثر ویرانگری‌های رژیم‌های حاکم بر ایران در عرصه ورزش و بویژه رژیم جمهوری اسلامی عرضه شده است.



الناشو شونوا برنده مدال طلای ژیمناستیک با بالاترین نمره (۱۰) شادمان پس از یک پیروزی خیره کننده و شگفت انگیز.

در طی هفته گذشته توجه صد‌ه‌میلیون مردم جهان از دریچه دوربین‌های تلویزیونی معطوف به رقابت‌های ورزشی المپیک بود. ورزشکاران شرکت کننده در رقابت‌های فشرده توانایی‌های بدنی و روحی خود را به میدان مصاف آوردند. اشک‌های شوق، گریه‌های حسرت، مشاهده زیبایی‌ها و گوشه‌هایی از توانایی‌های خارق‌العاده بشری دیدن شادمانی انسان‌ها، تجلی حاصل کار و ممارست و کارجمعی و برنامه‌ریزی و... و رقابت‌های کشورها و نظام‌ها به مثابه جز' بهم پیوسته این مسابقه‌ها خود بر جلب بیشتر انظار به این رویداد ورزشی موثر بود. پیروزی هر ورزشکار که نام کشور وی را طنین افکن می‌سازد و فرور و



بن جاسون، قهرمان کانادایی بارکورد شگرف ۷۹، ۹۰ برای دو صدمتر حدی برای توان انسان متصور نیست.

خون رزمندگان و خون دل فقرا معاونت و مسئولیت بالاتر گرفتن است و اگر نیست باکسانی که حادثه تهران، تبریز، قزوین، اصفهان و همه‌جای غرب و جنوب را موجب شده‌اند، چه کرده‌اند. پوشش بسته‌بندی در جلوگیری از بروز حوادث مساله‌ایست که اهمیت فراوان دارد. بخشی از بهای مهمات در همه جای دنیا مربوط به بسته‌بندی این‌هاست که تابع شرایط جوی، طبیعی و نظامی منطقه در نظر گرفته می‌شود. اینها مهمات را از پوشش‌های ایمنی خارج کرده و برای سهولت در حمل و نقل و برای اینکه خودروها زیادتیر و بیشترجا گیرد، در گونی و کیسه حمل می‌شایند، تا اینکه به یکباره میلیونها دلار مهمات با ارزش را نه فقط به دلیل نادانی بلکه به لحاظ ساده‌انگاری مسائل علمی و تبلی در دستورالعمل از بین می‌برند.

نگهداری مواد و اقسام خطرناک: اینها وقتی به هزار زحمت تعدادی... شیمیایی تهیه کرده‌اند، بدون در نظر گرفتن مباحی حفاظتی و نکات ایمنی آن را در نقطه‌های نزدیک شهر تهران انبار کردند بطوری که اگر تصادفا اتفاقی برای این مواد رخ می‌داد نقطه‌مورد نظر جایی انتخاب شده بود که باد سموم شیمیایی را تماما به طرف نقاط پرجمعیت شهر تهران می‌آورد. هنگامی که پس از یک حادثه محل مورد نظر کشف و به آنجا مراجعه شده، قبل از آن که وضعیت محل مورد بررسی حفاظتی واقع شود، معلوم شده که چند بار دچار آتش سوزی شده که نه گزارشی به سبب مسئولان رسیده و نه اهمیتی به اظهارات کارگران و نیروی‌های مسئول نگهداری آنجا داده شده است. همچنین معلوم نیست ظروف و محلی که برای نگهداری مواد مذکور در نظر گرفته شده چه وجه تشابهی با ظروف و محل نگهداری دیگر مواد شیمیایی خطرناک داشته‌اند که اشتباها به جای اسید کلریدریک برای یکی از توالت‌های يك ساختمان از گاز خردل استفاده کرده‌اند یعنی دستشویی را با گاز خردل هستاند که يك نفر تلف و چند نفر مجروح شده‌اند.

مقاصد مالی. به عنوان عضو کمیسیون بودجه می‌گویم. با توجه به وضعیت خاص جنگ اینهمه ساختمان‌سازی چرا؟ آیا بیسیچیان ما به این پولها نیاز نداشته‌اند؟ پول و اعتبارات مالی در دست افراد ..... میلیون تن مرگ! معلوم نیست چه کسی باید پاسخ دهد، یکش می‌توانستیم خوش‌بین باشیم و این‌گونه کارها را نوعی اقدامات فردی بدانیم، ولی متاسفانه موضوع بدتر از این است، معمولا کسانی که درست کارند و یا سعی می‌کنند اشکالات این وزارتخانه را پیدا کنند، فوراً از کار برکنار و اخراج می‌شوند. يك نمونه مربوط به یکی از دوزندگان متدین بازار است که پس از عقد قرارداد با سپاه پارچه و نخ و کش تحویل می‌گیرد. وقتی تمدن البسه مسورد قرارداد دوخته می‌شود، مقدار معتابهی از مواد اولیه اضافه می‌آید که به وسیله او عودت داده می‌شود. مسئولین محترم که تا آن وقت با آن فرمول مواد اولیه مصرف کرده بودند، برسر دوراهی واقع می‌شوند که یا از قبیه طرفهای قرارداد و مامورین خرید راجع به میزان اضافی پارچه توضیح بخواهند و یا با حذف این دوزنده درستکار موضوع را مسکوت بکنند که ظاهراً راه دوم را انتخاب کرده‌اند. مشهور است در خارج از کشور مامورین خرید ایسن وزارت را خیلی دوستدارند، یکی از جملاتی که معمولا در وصف و تصویر چهره ایسن ایرانیان پس از انقلاب مورد استعمال قرار می‌گیرد این است که آنها (فروشنندگان خارجی) خیلی خوبند - یعنی خریداران ایرانی و ما آنها را خیلی دوست می‌داریم. زیرا با چمدان پر از پول می‌آیند و با دست خالی باز می‌گردند. مامورین خرید اینها در داخل هم خیلی محبوبند. زیرا با قراردادهایی که با شرکتهای صوری و بی‌هویت که عموماً به وسیله خود یا دوستان و اقوامشان به ثبت رسیده هستند، آنها را یکشنبه پولدار می‌کنند.

مبار تنداز:

- آکساندر دیدو سنکو (خبرنگار روزنامه "تروود" در پراگ، در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۶۵)  
- واسیلی ژورانسکی (خبرنگار "پراوادا"، در سالهای ۱۹۶۹ - ۱۹۶۲)  
- ولادین کریوشیف (خبرنگار "ایزوستیا" در سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۵)  
- آندرئی کروشینسکی (خبرنگار "کمسمولسکایا پراودا" در سالهای ۱۹۷۲-۱۹۶۷)  
- ولادیمیر لوکین و میخائیل پولیاکوف (اعضای تحریریه مجله "بررسی مارکسیستی جهان" در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۵).  
گفتگوهای انجام شده در میزگرد هفته نامه "مسکونیوز" حول حوادث ۱۹۶۸ چکسلواکی، در شماره ۳۵ مسال این هفته نامه شوروی چاپ شده است.

ماه گذشته، بیستمین سالگرد حوادث چکسلواکی بود. در شب ۲۱ اوت سال ۱۹۶۸، قوای نظامی پیمان ورشو وارد چکسلواکی شدند. هدف فلیه بر بحران سیاسی این کشور بود که مدام تشدید می شد.  
در بیست سال گذشته بحثهای فراوانی حول این رویداد صورت گرفته است: از موضع خصمانه، از موضع انتقادی و از موضع جانبدار. در یکی دو سال اخیر، مطبوعات شوروی در پرتو پیش سیاسی نوین، از زوایای کاملاً تازه‌ای به این رویداد می‌نگرند. بحث در این مورد همچنان باز است و هر بار تعداد تازه‌ای از حوادث ۱۹۶۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ما از میان مطالب مندرج در مطبوعات اتحاد شوروی در سالگرد رویداد ۱۹۶۸، گفتگوی هفته‌نامه "مسکونیوز" با عده‌ای از شاهدان عینی آن رویداد را برای درج در نشریه، برگزیده‌ایم. هدایت این گفتگو را از طرف هفته‌نامه "مسکونیوز" آدوار خامیدوالین بر عهده داشته که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ در پراگ مقیم بوده است. شرکت‌کنندگان در گفتگو

## اوت ۱۹۶۸

### ریشه‌ها

**مسکونیوز: البته، امروزه راحت‌تر می‌توان در مورد گذشته سخن گفت. اما لازم است به یاد داشته باشیم که حوادث تاریخی ابهامات خودشان را دارند. هر یک دارای تائیدی با روحیه مثبت و منفی است. علاوه تاریخ را نمی‌توان تفسیر داد. آنچه که پیش آمده، پیش آمده. در اوت ۱۹۶۸ در چکسلواکی وضعیت ویژه‌ای پدید آمد. اکنون ارزیابی شما از آن اوضاع و احوال چیست؟**

\*کریوشیف: اوضاع آن هنگام چکسلواکی را عمدتاً می‌توان با توجه به وضعیت اقتصادی این کشور در آن زمان توضیح داد. حوادثی که ما از آن سخن می‌گوییم، نتیجه مشکلات اقتصادی بودند. این مشکلات اقتصادی بعداً جنبه سیاسی یافتند.

در اوایل دهه ۶۰ عوامل جامع تکامل اقتصادی، از نفس افتاده بودند. سرعت رشد کاهش یافت و کارآمدی تولید، زایل گردید. اقتصاددانان چکسلواکی در سال ۱۹۶۵ بر روی تجمیع اقتصاد کشور به شیوه‌های رشد همگی تأکید کرده بودند. اما هنگامی که پیاده کردن اصلاحات آغاز شد، با مانع شیوه‌های مدیریت مبتنی بر فرماندهی و منافع دستگاه بوروکراتیک مواجه شد. در چنین وضعیتی اختلافات جدی ایدئولوژیک سیاسی نیز بروز کرد که بالاخره در نقطه معینی در خیابانهای سرریز شد. آشی که پخته شده بود، در دیگی قلقل می‌کرد که در پوشی محکم داشت.

\*لوکین: من در ژانویه ۱۹۶۵ هازم پراگ شدم. بلافاصله پس از ورود تو جهم به این موضوع جلب شد که یکی از زیباترین شهرهای جهان تا چه حد دستخوش بی‌توجهی است. معلوم بود که حوادثی پیش خواهد آمد. مردم می‌بایست برای سوار شدن بر وسایل نقلیه هتقیه شده، در صفهای طولانی بایستند. مشکلات ناراحت‌کننده‌ای از این دست، مردم را ناراضی کرده بودند.

به‌گمان من ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی چکسلواکی این بود که در این کشور بدون بررسی نقادانه مدل رشد اقتصادی شوروی

را الگو قرار دادند. مطابق با این مدل به رشد صنایع سنگین اولویت داده شد و آن عرصه‌هایی از اقتصاد که مستقیماً به زندگی مردم مربوط می‌شوند، دست‌کم گرفته شد.

\*کروشینسکی: بدون شک آن مدلی که در دهه ۶۰ می‌کوشیدند اصلاحش کنند، از بسیاری جهات الهیاتی سیستم مدیریت ما در شوروی بود. در آن هنگام در چکسلواکی شدیداً از این مدل انتقاد شد. اما در جریان این انتقاد شروع بدان کردند که تقصیر خطاهای اقتصادی خودشان را هر چه بیشتر، به گردن شوروی بیندازند.

\*لوکین: در بحث‌هایی که در آن هنگام در چکسلواکی جریان داشت، بر روی تنوع تولید و عرصه‌های اقتصادی در مجموع خود، و ضرورت گسترش دادن به بخشهای صنعتی مبتنی بر دستاوردهای علمی به جای صنایع سنتی تأکید ویژه‌ای می‌شد. طرفداران مدل پیاده‌شده - که تعدادشان هم زیاد نبود - این بحث‌ها را به یک بحث ایدئولوژیک تبدیل کردند: اگر شما مخالف این مدل هستید، معنی‌اش این است که با سوسیالیسم مخالفید.

**مسکونیوز: بگذارید صریح‌تر سخن گوئیم: در ابتدا برخورد انتقادی متوجه مدل ملی رشد بود. در مراحل بعدی بحران در چکسلواکی، نیروهای راستگرا کوشش کردند که پیوندهای این مدل را به اتحاد شوروی و به‌طور کلی سوسیالیسم نسبت دهند.**

\*کریوشیف: انصاف تاریخی ایجاب می‌کند که به یاد داشته باشیم اقتصاد چکسلواکی نقش‌همده‌ای در بازسازی اقتصاد اکثر کشورهای سوسیالیستی در دوره بعد از جنگ ایفا کرد. به خاطر آن می‌آورم که چکسلواکی در دوره پیش از جنگ، جزو یکی از کشورهای دارای بیشترین تولیدات صنعتی بود. ساخت سنتی اقتصاد چکسلواکی برخوردار از صنایع سبک به حد کافی پیشرفته بود. این کشور این ساخت را و نهاد انگیزه آن نیازهای رشد کل اردوگاه سوسیالیستی و در درجه نخست و بیش از همه، نیازهای اقتصادی ما بود. در عوض اتحاد شوروی ۷۰ تا ۸۰ درصد نیازهای چکسلواکی به مواد خام، سخت و کالاهای و ذخایر دیگر را تأمین

می‌کرد.

\*کروشینسکی: بگذارید من عوامل دیگر را خاطر نشان سازم. مطبوعات چکسلواکی پیش از حوادث اوت ۱۹۶۸، فعالانه در مورد انحرافات از قانونیت سوسیالیستی و قربانیان بی‌گناه دهه‌های چهل و پنجاه، به بحث می‌پرداختند. این موضوع به محور مباحث گروه‌های متنوع مردم بدل شده بود. خواه‌ناخواه صحبت به شوروی نیز می‌کشید. همه همدتا استالینیسم را منشاء پایمال کردن حقوق میدانستند. خواست بحق مردم این بود که انحرافات زدوده شود و جو سالمتری در جهت منافع آنان پدید آید. اما دشمنان سوسیالیسم کوشیدند از این خواسته‌های بحق سو استفاده کرده و مسائلی را عنوان کنند که به دور از آن چیزی بود که مردم به‌طور واقعی می‌خواستند. این واقعیتی است که مساله اهاده حیثیت از قربانیان دهه‌های چهل و پنجاه برای مدتی طولانی حل نشد. نتیجه این که جبهه مخالفی شکل گرفت که در آن هم کونیستهای صادق حضور داشتند و هم دشمنان واقعی. در چنین وضعیتی اپوزیسیون بهانه‌گانی به دست آورد تا حزب کمونیست را بی‌اعتبار کرده و همه دستاوردهای تکامل سوسیالیستی چکسلواکی پس از فوریه ۱۹۴۸ را انقی کند.

\*دیدو سنکو: بدون شک، حوادث پیش‌آمده: خلق الساهه نبودند. در مارس سال ۱۹۶۸، پس از این که رهبری حزب کمونیست چکسلواکی در پلنوم کمیته مرکزی حزب در ماه ژانویه تفسیر کرد، نیروهای راستگرا به تدریج بر فعالیت خودافزاند. آنهایی که با رهبران ایدئولوژیک "اصلاح‌طلبان" موافقت نداشتند، به شکلی بی‌سابقه تحت فشار و پیگرد قرار گرفتند. در این رابطه "بیانییه دو هزار کلمه‌ای" که حمله‌ای به کمیته‌های حزبی بود، یک فاکت تاریخی است. در چنین جوی رهبری حزب از شرکت در گردهمایی کشورهای سوسیالیستی در ورشو در ژوئیه ۱۹۶۸ امتناع ورزید. این امر موجب از ناسیونالیسم را در چکسلواکی برانگیخت. بر همین مناسبت بعضی از رهبران سیاسی در پراگ سخن از امکان جدایی از جامعه مشترک کشورهای سوسیالیستی را به میان آوردند.

### دو جنبه قیم مآبی

مسکونیوز: شما در توضیح زمینه‌های حوادث اوت ۱۹۶۸ بر روی قیم مآبی در روابط با چکسلواکی و دیگر کشورهای سوسیالیستی انگشت نهاده‌اید که بویژه در آن هنگامه برجستگی داشت. قیم مآبی که حاصل دوره استالین بود اصل را بر این می‌گذاشت که "برادر بزرگ" همیشه حق دارد، خردمندتر و دوراندیش‌تر است و همه باید در هر موردی از وی تبعیت کنند. این امر تأثیری منفی بر روی جنبش جهانی کمونیستی و دمکراسی‌های خلقی که پس از جنگ جهانی دوم پدید آمدند، به جانماد. به نظر شما قیم مآبی در اواسط دهه ۶۰ چگونه خود را در چکسلواکی بروز داد

کویوشه‌یف: قیم مآبی دو سو دارد. یک سو سیستمی از روابط را تحمیل می‌کند و طرف دیگر یا آن را می‌پذیرد و یا رد میکند. هدف اصلاحات اقتصادی چکسلواکی در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ این بود که شکل روابط پیشین را کنار گذارد. در این اصلاحات اصل این گرفته شد که مکانیسم اقتصادی کشور به گونه‌ای باشد که هر موسسه‌ای موثرترین رابطه اقتصادی را جستجو کند. در مواردی این موسسات، که اکنون خود را در شرایط اقتصادی تازه‌ای می‌دیدند، از همکاری با همتهای شوروی خود امتناع می‌ورزیدند. در مواردی از سطح تکنولوژیک فرآورده‌های شوروی را ضعیف‌تر و در مواردی در می‌یافتند که زمان تحویل رعایت نمی‌شود و یا این که در صد خرابی در کالاهایی که از شوروی وارد می‌کردند، خیلی بالاست. مدیران اقتصادی چکسلواکی که اختیار یافته بودند خود موسسات همکاری را انتخاب کنند، نگاهشان متوجه غرب می‌شد. عده‌ای در میان ما این پدیده را نشانه یک گرایش ضد شوروی میدانستند.

ژورافسکی: در این رابطه من دو مثال به خاطر دارم. یک بار از اتحاد شوروی ۹۲ هکتار فلتک برای یک کارگاه نورد در کارخانه آهن و فولاد کوزیچ صادر شده این فلتکها بدرند خور بودند. در یک مورد دیگر مدل تازه‌ای از اتومبیل مسکوویچ برای فروش در بازار چکسلواکی به پراگ صادر گردید. وقتی مدل تازه را آزمایش می‌کردند، پی بردند که چرخهای جلویی دراز اتومبیل سوامی شود.

دیدیوسکو: اما مساله مورد بحث ما صرفا نقایص فنی نبود. خود روابط اقتصادی دیگر سودی در بر نداشتند. من در یک کارخانه سازنده وسایل آزمایشگاهی در پراگ شاهد این محاسبه بودم: وقتی که این کارخانه محصولاتش را به شوروی صادر می‌کرد، هر رول به دست آمده از یک دلار که در بازار غرب به دست می‌آمد، ۵۰ درصد بیشتر خرج بر می‌داشت. کویوشه‌یف: یادمان باشد که مردم چکسلواکی تاریحا به روسها نظر لطف داشتند. این امر نتیجه سلطه آلمانها بر کشور در طی چند قرن بود. چکها مثلی داشتند که می‌گفت آزادی از شرق خواهد آمد. و واقعا هم چنین شد. در سال ۱۹۴۵ چکها و اسلواکها با شور و شوق از ارتش سرخ استقبال کردند.

بعد از ۱۹۵۰ مدل اقتصادی مابه صورت مکانیکی در چکسلواکی پیاده شد ما در آن هنگام در چکسلواکی چنین شعار مآبی را می‌شنیدیم: "کارخانه‌های شوروی، الگوی ما هستند." "استورانجای شوروی سرمشق مايند." "ما مدادهايمان را طبق مدل شوروی می‌سازیم." در هر موردی چنین گفته می‌شد. من در آن هنگام در کارخانه مداسازی "کوه‌نور" می‌شنیدم که مدادهای ما را چگونه توصیف میکردند. این آن طرف رابطه قیم مآبی بود. در سطوح مختلف رهبری چکسلواکی کسانی بودند (که شاید حتی تعداد) مسائل را در حد لاطائلات گویی تحلیل می‌دادند و روابط قیم ما با نه راتقویت می‌کردند.

در آن هنگام مردم چکسلواکی ایده خامی در مورد زندگی در اتحاد شوروی داشتند. دهه ۶۰ که رسید مرزها باز شد. در دوره "ب" شدن یخها به توسط خرو و شجف "چکها و اسلواکها شروع به سفر به اتحاد شوروی کردند. آن هنگام بود که دریافتند ما نمی‌توانیم در هر موردی ایده‌آل باشیم و ما را چندان نمی‌توان الگو قرار داد. یک حالت سر خوردگی پدید آمد و بعد احساسی بروز کرد که ما بدان "ناسیونالیسم" نام نهادیم.

### شباهت و اختلاف

مسکونیوز: مطبوعات غربی اغلب در مورد شباهت بین روندهایی که در سال ۱۹۶۸ در چکسلواکی جاری بود و پروتروویکی ما سخن می‌گویند. پاسخ شما به این موضوع چیست؟ کویوشه‌یف: من اکنون در انستیتوی اقتصاد جهان سوسیالیسم که جنب آکادمی علوم اتحاد شوروی است، کار می‌کنم. در این انستیتو بین فرمهای اقتصادی چکسلواکی در سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۵ و اصلاحات جاری در اتحاد شوروی، یک مقایسه تحلیلی به عمل آمده است. بر این مبنا می‌توان گفت که این هر دو روند در جنبه‌های بیرونی همخوانی دارند. توضیح این موضوع ساده است: هر دو بر بنیاد یک اصلند: حسابرسی تا به آخر و پذیرش نتایجی که از این امر حاصل میشود. این به معنی نظامی از روابط موثر کالایی - پولی، خودبستگی مالی، خودگردانی و نظایر اینهاست.

در اینجا مایلیم نکته‌ای را خاطر نشان سازم: چکسلواکی در دهه ۶۰ تنها هدف اجرای یک فرم اقتصادی برنامه ریزی شده را در برابر خود قرار داد. این فرم بلافاصله با مقاومت نیروهای محافظه کار در سطوح مختلف رهبری مواجه شد. ثابت گردید که بدون اصلاح در روتینا، بدون ایجاد تحولاتی همیق در هر صده اجتماعی - سیاسی، نمی‌توان هر صده اقتصاد را متحول کرد. ما به این تجربه توجه داشته‌ایم. در اتحاد شوروی اصلاحات اقتصادی پیوند تنگاتنگی دارد بانوسازی نظام سیاسی، گسترش دموکراسی در تولید، گلاسنوست (شفایت) و دخالت فعالانه مردم در تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی اجتماعی.

آبولیاکوف: در چکسلواکی نیز همچون در کشور ما در طی سالهای رکود، گروههای مختلفی از مردم، در برخورد با مسائل اجتماعی،

حس مسئولیت زیادی از خود نشان می‌دادند. به عنوان مثال میلوس فرمن در فیلم خود "بوسوز، هروسک کوچک من" به روشنی حالت، انحطاط اجتماعی را به تصویر آورد.

مسکونیوز: مطبوعات چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ آزادی زیادی به دست آورده بودند، اما نمیتوانستند از این آزادی به نفع همز سوسیالیستی خلق بهره گیرند. این آزادی در دست نیروهای راستگرا، به وسیله‌ای برای تفاق افکنی و گمراهسازی بدل شد. در هم آمیزی هدفهای پیشرفت ملی با ارزیابی‌های اشتباه از پدیده‌های مختلف و تبلیغ بی‌بند و بار نظریاتی یکسویه در مورد سیر رویدادها، همگی مقایر آماجهای اعلام شده در پلنوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی بودند. این که در ژانویه حزب خود به پشتیبانی از یک سیاست نوظهور پرداخت، یک ضرورت بود. در اتحاد شوروی کسی در این مورد مساله‌ای ندارد و همه معتقدند تجربیات مثبت دوستان می‌تواند برای ما نیز بصی مفید باشد. مساله این است که تنها حسابرسی‌های سیاسی کفایت نمی‌کرد. لازم بود خطاها و انحرافات زوده‌شونده، برای مسائل مبرم ساختمان سوسیالیسم فکری شود و همه به دنبال موثرترین راه‌های پیشرفت باشند.

مطبوعات در اتحاد شوروی پس از آوریل ۱۹۸۵ حامی و مبلغ ایده‌های پروتروویکا شدند هر چند که روند جریان یافته بدون مشکل و بدون خطا نبوده است، با این همه رسانه‌های گروهی هر چه بیشتر به مبارزهای که مبتکران خود حزب بود، گرویدند تا این سخن را به کرسی بنشانند که دموکراسی بیشتر همانا سوسیالیسم بیشتر است. این دیگر در شوروی یک واقعیت است.

### حقیقت در یک نسخه

مسکونیوز: اما متأسفانه در سال ۱۹۶۸ اوضاع اساسا متفاوت با امروز بود. آن هنگام فعالیت مطبوعاتی شما در پراگ چگونه بود؟

دیدیوسکو: روزنامه نگاران در وضعیت دشواری به سر می‌بردند. ما متوجه و خامت اوضاع بودیم اما نمی‌توانستیم چیزی نشر دهیم. در فوریه ۱۹۶۸ لئونید برژنف به پراگ سفر کرد. من و واسیلی ژو رفسکی به نزد وی رفتیم و پرسیدیم: "لئونیدایلیچ، ما چه باید بکنیم؟ چه باید بنویسیم؟ و او پاسخ داد: "حقیقت را بنویسید" و سپس افزود "در یک نسخه" و آن یک نسخه را هم بفرستید برای این فرد. این را که می‌گفت با انگشت رئیس دفترش نشان داد.

ژورفسکی: ما تصمیم گرفتیم وضعیت را انسان که هست به برژنف گزارش کنیم. اما ما را دم در اتاقی که او در آن استراحت می‌کرد معطل نگه داشتند. یک ساعت و نیم منتظر ماندیم و اجازه نیافتیم برژنف را ملاقات کنیم. و بعد بی آنکه توانسته باشیم کاری انجام دهیم، به ناچار محل را ترک کردیم.

دیدیوسکو: ما در ساعات اولیه با مادا ۲۱ اوت، با صدای قرش مداوم هواپیماها از خواب بیدار شدیم. روز قبل من به دیدن یک مانور نظامی رفته و در آنجا صداهای هواپیماهایی را بقیه در صفحه ۱۳

## شبی در رام الله

بقیه از صفحه ۱۶  
همین هنگام از خانه ما صدای صحبت و فریاد به گوش رسید. همه می دانستند چه حادثه‌ای دار پیش می‌آید. برای لحظاتی رد جیب را گم کردیم ولی به ناگهان متوجه شدیم که خودرو مستقیماً جلوی خانه ما ایستاده است.

نغمه‌ییم سربازان به چه خاطر اینجا ترمز زدند. لحظاتی پیش نپایید که صدای بالا آمدن شتاب آلود سربازان از پله‌ها آرامش خانه را بهم زد. از طبقه زیر صدای بهم خوردن شدید در و سپس صدای شکستن یک شیشه را شنیدیم. اندکی بعد از طبقه ما نیز سرو صدا برخاست. سربازها داد می‌زدند. باز صدای بهم خوردن یک در و شکستن یک شیشه آمد. دو کودکی که در خانه ما بودند از ترس به لرزه افتادند. من آنها را در آغوش گرفتم تا آرامشان کنم. آنها اولین باری بود که با سربازان در خانه مواجه می‌شدند و از همینرو شدیداً وحشت زده بودند.

سروصداها نزدیک‌تر شدند. بالاخره در منزل مانیز باز شد. سه جوان اونیفورم پوش با کلاه خود و مسلسل و باتوم وارد شدند و بلافاصله از محمد خواستند که همراهشان برود. محمد با صدای آرامی از آنان پرسید که به چه خاطر؟ یکی از آنان به صورتش کوبید و دیگری به او باتومی زد و گفت: "به چه خاطر؟ معلوم است! ما حق داریم شمارا بزنیم و درب و داغان کنیم و با خود ببریم. هر وقت به ما حمله کنید، جزایتان این است". برای محافظت از محمد چاره‌ای به نظرمان می‌رسید. هر مقاومتی باعث می‌شد، سربازان، که خون به چشمانشان دویده بود، وحشی‌تر شوند. من که در هنگام یورش آنها به درون خانه از جابر خاسته بودم، مجدداً بر روی صندلی نشستم و دو کودک را در بغل خود فشردم. هم قلب آنها و هم قلب من، به شدت می‌زد. احساس ناتوانی می‌کردیم. درمانده بودیم و قدرت دفاع نداشتیم.

آنها محمد را با خود بردند. بهانه‌ای از او نداشتند و ما میدوار بودیم که او بالاخره بتواند یک جور خود را از دست آنها خلاص کند.

من حالتی عصبی داشتم و هراسان بودم که مبادا سربازان دوباره بازگردند. دوستانم تصمیم گرفتند مرا به نزدیک آشنا در بخش آرامتر شهر بفرستند. تازه به آنجا رسیده بودم که محمد هم سر رسید. او توانسته بود بازنگی از چنگ سربازان خلاصی یابد. او تعریف کرد که آن دو سربازی که به خانه ما یورش آورده بودند، در منتهای وحشی‌گری بودند و او به زحمت توانسته بود خونسردی خود را حفظ کند و خشم خود را در برابر آنان بیوشاند. تجربه به او آموخته بود که با خونسردی رفتار کند و در برابر سربازان بهانه‌ای به دست نهد که او را به زندان بیفکنند. تداوم مقاومت ایجاب می‌کرد که در جای خود، مقاومت نشان دهد. او در توضیح این حادثه گفت: "این گونه پیشامدها عادی شده‌اند. هر روز به همیسان مردان و زنان و کودکان را روانه زندان می‌کنند. شعرها و روایتها و خانه‌های ما هر روز شاهد چنین رویدادهایی هستند."

بالاخره نشستیم تا شامی بخوریم. شامان تمام نشده بود که دوباره سروکله سربازان در خیابان مجاور این خانه هم پیدا شد. خانه‌گردی را آغاز کردند و به خانه ما هم وارد شدند. همه غرق در

سلاح بودند ما سرجایمان نشسته بودیم. آنها نظری به اطراف چرخاندند و بعد یکسر به سراغ محمد رفتند. برگه شناسایی‌اش را کنترل کردند و بی‌هیچ توضیحی مجدداً او را بیرون بردند. این بار ما عکس‌العمل نشان دادیم. پشت سر آنها از در خارج شدیم و شروع به اعتراض کردیم. یکی از ما که یک پزشک یهودی آمریکایی بود خطاب به سربازان گفت: "من این فرد را برای صرف شام به اینجا دعوت کرده‌ام. روی چه حساب این فرد را بدون هیچ توضیحی از سرفره بیرون می‌کشید و با خود می‌برید؟ او که کاری نکرده."

اعتراض ما موثر واقع شد. من دست محمد را گرفتم و او را به داخل خانه بردم. از قرار معلوم این گروه از سربازان اندکی آدمتر بودند.

دوباره سرمیز که نشستیم محمد در توضیح روحیه سربازان اسرائیل چنین گفت: "بعضی از سربازها، به راستی جانی هستند. به آنها طوری آموزش می‌دهند که عقیشان را از دست بدهند و چون و چرا سرشان نشود. خیلی از آنها از ما هم‌بنا نترس دارند و خواهان اخراج همه فلسطینی‌ها از کشورند. اما ما می‌دانیم که اسرائیلی‌های دیگری هم وجود دارند. این دسته از اسرائیلی‌ها اشغالگری را منافی اخلاق خلقی می‌دانند که آنگونه مورد ستیم و جنایتکاریهای آدمکشان نازی بوده‌است".

خیلی از افراد اسرائیلی



کمابیش متوجه قلبه وحشی‌گری و جنایتکاری بر جامعه خود شده‌اند. من در سفرم به اسرائیل با یک افسر دوره احتیاط صحبت کردم که تازه خدمت نظامش در نوار فزه به پایان رسیده بود. او از میزان خشونت‌ی که علیه خلق فلسطین اعمال می‌شود، تکان خورده بود. به عقیده او افکار همومی فقط از ۱۵ تا ۱۵ درصد اعمال جنایتکارانه علیه فلسطینی‌ها مطلع می‌شود. تنها افراد معدودی در اسرائیل خبر دارند که در مناطق اشغالی، حقوق بشر تا چه حد لگدکوب می‌شود.

بر خلاف کنوانسیون چهارم ژنو که اسرائیل نیز زیر آن را امضا کرده است و در آن تاکید می‌شود که باید افراد غیرنظامی در مناطق جنگی و دستخوش آشوب از تعرض مصون باشند، از دسامبر سال ۱۹۸۷ تا کنون:

\* ۳۵۴ فرد غیرنظامی در مناطق اشغالی کشته شده‌اند

\* ۱۲۵۰۰ انسان بی‌دفاع زخمی گردیده‌اند

\* ۵۰۰۰ نفر از این عده برای تمام هم‌ردچار نقص عضو شده‌اند

\* ۳۵۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ نفر دستگیر شده‌اند

\* ۲۲۰۰۰ نفر از این عده هم‌اکنون ۲۲۰۰۰ نفر در زندان بسر می‌برند. (این ارقام ماخذ از گزارشی است که سازمان آزادی بخش فلسطین در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۸۸ به مرکز سازمان ملل متحد در ژنو ارائه داده‌است.)

از زمان اشغال نوار فزه و کرانه غربی در سال ۱۹۶۷ تا کنون:

\* ۲۰۰۰ خانه توسط نظامیان اسرائیلی ویران شده

\* بیش از ۲۰۰۰ نفر از کشور اخراج شده‌اند

\* بیش از ۶۵۰۰۰ مهاجر اسرائیلی در مناطق اشغالی، اسکان داده شده‌اند

\* و بالاخره دولت اسرائیل ۵۰ درصد اراضی در مناطق نوار فزه و کرانه غربی را "فروخته" و یا خود بر روی آنها جنگ افکنده است.

اکنون قطب‌بندی سیاسی در اسرائیل روبه تشدید است. احزابی که از سیاست مشت آهنین تبعیت می‌کنند (همچون حزب فاشیستی "کاخ" به رهبری خاخام کاهانه) صفونشان در حال تقویت است و احزاب تازه‌ای نیز در کنار آنها شکل می‌گیرند که خواهان اخراج کامل تمام اهالی عربند. از سوی دیگر جنبش صلح مدام نیرومندتر

## فراخوان حزب کمونیست فلسطین

حزب کمونیست فلسطین در بیانیهای که اخیراً منتشر کرده اذیت همه احزاب کمونیست و کارگری، سازمانها و احزاب دمکراتیک و مدافعین حقوق بشر را به کوشش برای جلوگیری از جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل دعوت کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

**”روزهای اخیر با اوجگیری جنون آمیز عملکرد سرکوبگرانه زمامداران اسرائیل علیه فلسطینیهای بی دفاع مناطق اشغالی همراه بوده است. ابتداییترین حقوق بشر که توسط عهدنامه های بین المللی تضمین شده اند، لگدمال میگردند.“**

**بیانیه سپس می افزاید: ”زمامداران اسرائیل دهمنی کور خود علیه مردم ما را با سوزاندن کارگران بی گناه مناطق اشغالی که در حال خواب بودند و کشتار عمدی زندانیان اقتصادی بازداشتگاه مشهور انصار نغان داده اند. علاوه بر این آنها بار دیگر در مقیاس وسیعی دست به اخراج (فلسطینیهای مناطق اشغالی) زده اند. طی چندروز گذشته آنها تصمیم به اخراج ۲۵ میلیون پرست دیگر فلسطینی گرفتند. زمامداران اسرائیل همچنین اعلام کرده اند که به سیاست اخراج فلسطینیها از مناطق اشغالی ادامه خواهند داد.“**

حزب کمونیست فلسطین در پایان این بیانیه همگان را به مبارزه در راه آماج های زیر فراخوانده است.

**پایان دادن به جنایات اسرائیل در مناطق اشغالی**  
**- پایان دادن به اخراج، زندانی کردن، شکنجه و کشتار فلسطینیها**  
**- دفاع از حقوق انسانی مردم فلسطین.**

نیز در فعالیتند که طرفدار تشکیل دو دولت جداگانه برای دو خلقند، همچون گروه ”گشرفالوم“ (پلهای صلح).

بعضیها این گونه تبلیغ می کنند که انتقاد از اسرائیل جلوه تازه ای از یهودی ستیزی است. اما وقتی که انسان در تلویزیون می بیند که چگونه سر بازهای اسرائیلی استخوانهای کودکان فلسطینی را در هم می شکنند، وقتی که انسان در روزنامه ها می خواند که چگونه با بولدوزر انسانها را زنده بگور می کنند، به خود حق می دهد که دوستان اسرائیل را در برابر این سؤال قرار دهد که این چه منشی است؟ یهودی ستیزی، که در کشورهای متعددی ادامه موجودیت داده است باید افشا شود و مثل هر ایدئولوژی نفرتبار نژادپرستانه دیگری ریشه کن گردد. اما یهودی ستیزی نمی تواند توجه گر سیاستهای کنونی دولت اسرائیل باشد.

می شود. مدام افراد بیشتری خواهان پایان دادن به اشغالگری و مذاکره با سازمان آزادی بخش فلسطین می شوند. در ماههای اخیر دوما گروه صلح خواه شکل گرفته اند و آرای سازمانهایی را که سالهاست صلح و آشتی را مطالبه می کنند، تقویت کرده اند.

در اسرائیل زنانی هم هستند که هر هفته در سه شهر کشور با لباس سیاه تظاهرات می کنند تا به اشغالگری پایان داده شود، گروهی نیز مثل ”پیش گول“ (”صدی هم وجود دارد“) در فعالیت است و یا جنبشی همچون جنبش سر بازان ذخیره که ترجیح می دهند به زندان بروند ولی در مناطقی خارج از مرزهای ۱۹۶۷ خدمت نظام انجام ندهند. گروه ”ازوشالوم“ (”شجاعت و صلح“) طرفدار پایان دادن فوری به اشغالگری است. این گروه با سازمانهای مذهبی مخالف است. سازمانهای مشترک یهودی - عبری

## اوت ۱۹۶۸

بتیاه از صحنه ۱۱  
شنیده بودم که فرود می آیند تا مقرهای فرماندهی نیروی هوایی را تصرف کنند. در بامداد ۲۱ اوت ابتدا چشمم به زنان و مردانی خورد که با لباس منزل سراسیمه از خانه هایشان خارج می شدند. کسی نمی دانست چه اتفاقی در پیش است. چند روز قبل همه در براتسیلا ایدیه بودند که چگونه برژنف، دوجک را در آغوش گرفت و بوسید. همه دیگر فکر می کردند که مسائل فیصله یافته اند.

کروشینسکی: بعد از ورود قوای نظامی، مطبوعات ما انباشته از فلوهای عمدی و غیر عمدی شدند. اوضاع بسیار پیچیده و از بسیاری جهات ناروشن بود. خبرنگاران ویژه که از بالا رهنمود می گرفتند، موقعیت بسیار دشواری داشتند. خبرها بعضاً آسان گزارش میشد که بار نمودهای بالا، مطابقت داشته باشند.

تئورافسکی: شناخت من از کشور چکسلواکی باعث میشد بتوانم از خطاها و کژیهایهایی که مطبوعات ما مملو از آنها بودند، اجتناب ورزم. در آن هنگام دو همکار داشتم که خبرنگار ویژه بودند. یکی از آنها اکنون فوت کرده و من ترجیح می دهم که اسمشان را نیاورم یکی از این همکاران در پراگ و دیگری در براتسیلا و مستقر بود. مجلات گماهی چکی و اسلواکی ”دیکوراز“ و ”وماج“ گزارشهای آنها را که در روزنامه های مسکو چاپ شده بود، عیناً ترجمه کردند، بدون هیچ گونه تغییر و بی هیچ گونه تفسیر و توضیح. چاپ این مقالات همان و برانگیخته شدن احساسات ضد شوروی در میان چکها و اسلواکها همان.

آدیدوسنکو: بگذارید داستانی واقعی برایتان تعریف کنم که به یک ”جوک“ می ماند:

یک روز ما را به سفارتخانه فراخواندند و نسخه ای از یک روزنامه چاپ یکی از کشورهای متحد را نشانمان دادند که در آن خبر داده شده بود تانکهای آمریکایی به دم پراگ رسیده اند. ما بازخواست شد که چرا در کسب این خبر، مغفلت کرده ایم. بعداً مشخص شد که قضیه به نیلیمی در دست تهیه در مورد آخرین روزهای جنگ جهانی دوم برمیگشته است و تهیه کنندگان فیلم چند تانک آمریکایی، آلمانی و روسی از یک شرکت اتریشی اجاره کرده بودند.

کروشینسکی: و چند کلمه در مورد آنچه که بعد اتفاق افتاد. سال ۱۹۶۹ حتی از سال پیش از آن بحرانی تر بود. در تابستان، طفیانهای چندی به وقوع پیوست که در جریان آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. این واقعه ای است که نیروهای نظامی مادران حوادث، شرکت نداشتند. اما در آن هنگام احساسات مخالف ما شیوع وسیعی داشت. تولید ۴۰ درصد اذیت کرده بود و تنها همه کمی تن به کار میدادند. در اینجا مناسب است که از رهبری تازه کشور که در راس آن گوستاو موساک بود، به نیکی یاد کنیم. واقعا بیرون آوردن جامعه از آن بحران، کار شاقی بود.

## در سها

مسکونیزو: هم امروزه از حوادث ۱۹۶۸ در چکسلواکی چه در سهای را استنتاج می کنید؟  
آبولیاکیف: در جریان این حوادث مساله نقش حزب در جامعه، به مساله ای بس عمده بدل شد. می بایست برای مشکلات جامعه چاره جویی شود: حزب می بایست در عمل نشان دهد که نیروی هدایتگر جامعه است. در ضمن می بایست این گمان خطرناک کاملاً کنار گذاشته میشد که مسائل یک ملت دیگر را میتوان با نیروی نظامی حل کرد. تاریخ کرده های خطا را نمی بخشد.

آلوکین: پس از سال ۱۹۶۸ مطبوعات غربی بهانه کافی داشتند تا از کلیشه ای به نام ”دکترین برژنف“ (مبنی بر حق حاکمیت محدود کشورهای سوسیالیستی) سخن پراکنی کنند. البته هیچگاه آگاهانه چنین ”دکترینی“ فرموله نشده بود. و امروزه نیز دیگر در روابط کشورهای سوسیالیستی چنان وضعیتی پدید نخواهد آمد که یکی حق داشته باشد برای دیگری تصمیم بگیرد. این قابل قبول نیست. پایبندی به این اصل، مطمئن ترین ضامن غیر قابل تکرار بودن حادثه ای نظیر حادثه ۱۹۶۸ است. کسانی که در آن حادثه دخیل بودند، به طور جدی از آن درس گرفته اند.

آدریووشیف: یکی از مهمترین در سها، همان چیزی است که در برنامه عمل که از سوی تفکر نوین سیاسی فرموله شده، گنجانده شده است. در آنجا تاکید شده که هر کس مختار است، خود راه خویش را برگزیند.

آدیدوسنکو: یک سیاست منحرف شده از اصول، شاید بتواند در کوتاه مدت چاره ساز باشد، اما در بلندمدت به ضرر همه و از جمله کسانی است که اصول را زیر پا می نهند. این قاعده در مورد مطبوعات نیز، صادق است.

تئورافسکی: گلاسنوست (هلنیت) یک ضرورت است. مردم باید از هر چیزی باخبر باشند. مردم چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ ا در مورد رهبران خود بر مبنای حد و صحت گزارشدهای این رهبران قضاوت کردند. امروزه مطبوعات باید قادر باشند مردم و رهبران را برای این که وقایع را صحیح تحلیل کرده و بتوانند درست تصمیم بگیرند، در جریان همه چیز بگذارند.

کروشینسکی: سیر حوادث نشان داد که چکها و اسلواکها به راهی که پیش گرفته بودند، وفادار ماندند. این راه همانا راه پیشرفت سوسیالیستی است.

## در برمه، زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد

را نجات بخشد. گفته شد که احزاب آزادند، حزب برنامه سوسیالیستی، دیگر حزب فراگیر نخواهد بود در کشور انتخابات آزاد برگزار خواهد شد. مردم این وعده‌های پوچ را باور نکردند. مبارزه ادامه یافت. حکام برمه وقتی که دیدند مانورهای مایونگ مایونگ چاره ساز نیست، دوباره در هفته گذشته یک حکومت تماما نظامی را سرکار آوردند.

طبقه کارگر در برمه طبقه کم‌شماری است. کارگران کمیته‌های اعتصاب تشکیل داده و یکی از ستونهای اصلی جنبش محسوب میشوند.

در تظاهرات توده‌ای دانشجویان نقش فعالی دارند. مردم اکنون در بسیاری از نقاط شورا برپا کرده و با کمیته‌های اعتصاب تظاهرات را پیش می‌برند راهبان بودایی نیز همدتا در صف اپوزیسیونند. آنها مردم را دعوت به استفاده از "شیوه‌های مسالمت‌آمیز" میکنند که مردم در عمل پی‌برده‌اند با منطلق واقعیت همخوان نیست.

ارتش خود دستخوش شکاف است. در راس ارتش رقبا سربرآورده‌اند و رقابت حتی کسانی مثل وزیر دفاع اسبق ژنرال تین یو را که می‌گوید یک سوم ارتش را پشت سر دارد، در صف مخالفین قرار داده است. شکاف اصلی بین توده سربازان و سران ارتش است. انصران جزا و جوان نیز گرایش دارند به اپوزیسیون پیوندند.

جنبش در برمه خودبخودی است. چهره‌هایی که در روزنامه‌ها از آنها به عنوان رهبران اپوزیسیون نام برده میشود، همانقدر در جنبش نفوذ و حضور دارند که جبهه ملی با چهره‌هایی مثل سنجابی در انقلاب ایران. تشکل همدتا در میان خلقهای تحت ستم است. در مناطق مرزی سالهاست که گروههای مسلح برای کسب حق خودمختاری خلقها می‌جنگند. جنبش از پتانسیل بسیار بالایی برخوردار است، اما به دلیل روشن نبودن خطر رهبری‌کننده در آن، چشم‌انداز مشخصی ندارد و هنوز معلوم نیست به کدام سمت، سوق داده خواهد شد. هم‌زم خلق برای دستیابی به دموکراسی جزم است، اما این برای آینده‌دار بودن یک جنبش که در آن آگاهی انقلابی و تشکل ریشه نگرفته است، کافی نیست.

فقیر جهان است. درآمد کشور در طی حکومت نه‌وین همدتا صرف تقویت دستگاه ارتش و پلیس برای سرکوب ملیتها و گسترش خفقان در جامعه شده است. در برمه ۴۱ درصد بودجه کشور، به ارتش اختصاص دارد.

در برمه، مخارج کمرشکن بوروکراسی و ارتش، مدام سفره تمی زحمتکشان را تهمی‌تر کرده است. در سپتامبر سال گذشته رژیم نه‌وین، چندنوع اسکناس را بدون حق تعویض از اعتبار انداخت و تمهیدات دیگری ظاهرا برای مبارزه با بازار سیاه برنج، به مرحله اجرا گذاشت که دیگر طاقتم مردم را طاق کرد.



مجموعه‌ای از تظاهرات مردم در برمه

زحمتکشان از خریدن قوت لایموت هم عاجز شدند. گرسنگی آنها را به خیابان کشاند. آنها به شعار دادن علیه حکام فاسدی پرداختند که خود فرتق ناز و نعمت بودند و "مسواقت طلبی" آنها صرفا گسترش فقر در سطح زحمتکشان به تساوی بود. جنبش مدام گسترش بیشتری یافت. در تظاهرات تانیم میلیون نفر شرکت میکردند. در بسیاری نقاط سربازان نیز به مردم می‌پیوستند. نه‌وین خود را مجبور به کناره‌گیری دید. او حکومت را به ژنرال ساین لویین سپرد که در نزد مردم به "قصاب" شهرت داشت. حکومت "قصاب" ۱۷ روز بیشتر دوام نیاورد. جای قصاب را یک فرد فقیر نظامی به نام دکتر مایونگ مایونگ گرفت که در دولت نه‌وین، دادستان بود. "مایونگ مایونگ" کوشید دست به اصلاحاتی بزند تا دستگاه حاکمه

اتحادیه برمه "تفسیر داده بود. در برنامه حزب حاکم که ژنرال پیشوای آن بود، از "سوسیالیسم خاص برمه" سخن می‌رفت. مبنای "سوسیالیسم خاص برمه" تحکیم سرمایه‌داری دولتی و یک سیاست خارجی انزواجویانه بود. "سوسیالیسم خاص برمه"، سرمایه‌داری خصوصی و فئودالیسم را تا حد چشم‌گیری کنار زد و یک قشر بوروکرات خودکامه را حاکم بر جامعه گرداند. ژنرال نه‌وین و پیروان وی مدام از مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری سخن میگفتند. نه‌وین آنچنان مدعی سوسیالیسم بود که حتی مانیفست

را به زبان برمه‌ای ترجمه کرده بود: "سوسیالیسم ناسیونالیستی" نه‌وین، یک نظم تمامیت‌گرایانه "ناسیونال سوسیالیستی" را بر کشور حاکم کرد. اقلیت‌های ملی (که حدود ۴۰ درصد جمعیت برمه را تشکیل می‌دهند) به شدت تحت ستم بودند. از آزادی تشکل، عقیده و اجتماعات مطلقا اثری نبود. دیکتاتوری، سرمنشاء فساد شد. بوروکراسی حاکم مدام گنبدیده‌تر شد و جامعه که وعده داده می‌شد به سمت "سوسیالیسم" در حرکت است، مدام رو به عقب می‌رفت.

برمه که زمانی "انبار برنج" آسیا نام داشت و جزو ثروتمندترین کشورهای منطقه بود، در تحت سلطه حزب ژنرال نه‌وین پیاپی فقیرتر شد. این کشور اکنون جزو ده کشور بسیار

بقیه از صفحه اول  
در کشور اعتصاب عمومی برپاست. حکومت نظامی تا ۴ اکتبر مهلت تعیین کرده تا کارمندان به سر کار بازگردند. همه ناظرین بر این اعتقادند که این توپ و تشرها چاره‌ساز نخواهد بود. در برمه زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد.

ژنرال ساومایونگ بعد از کسب قدرت، اعلام کرد که پس از "استقرار نظم و آرامش" به احزابی که طرفدار "دموکراسی واقعی" باشند آزادی خواهد داد و برای تشکیل یک حکومت غیرنظامی "انتخابات آزاد" برگزار خواهد کرد. حتی آن دسته از رهبران لیبرال اپوزیسیون که صحبت از مذاکره با حکومت نظامی را پیش کشیده‌اند، اعلام کردند این وعده‌ها را پوچ می‌دانند و اگر انتخاباتی هم برگزار شود، در آن شرکت نخواهند کرد.

با کودتای ژنرال ساومایونگ این سو‌مین باری است که در ظرف سه ماه گذشته، راس دستگاه حکومتی تغییر می‌کند بی‌آنکه خود این دستگاه تغییری کرده باشد. ژنرال ساومایونگ زمانی دست به کودتا زد که گروه‌بندی حاکم پی‌برد، مانورهای فریبکارانه حاکم پیشین، مایونگ مایونگ، چاره‌ساز نیست و برای سرکوب مردم، تکیه کردن به سر نیزه هم کفایت نمی‌کند.

برمه ۲۶ سال تمام زیر سلطه دیکتاتوری ژنرال نه‌وین بوده است و چهره‌های فعلی در راس قدرت، همه دست‌پروردگان وی هستند. نه‌وین در سال ۱۹۶۲ همراه همدای دیگر از افسران ارتش، با یک کودتای خونین قدرت را در برمه به دست گرفت. او برای تحکیم پایه‌های قدرت خود حزب فراگیری را ایجاد کرد که بر آن "حزب برنامه سوسیالیستی" نام نهاده تا سال ۱۹۷۴ قدرت مستقیما در دست "شورای انقلاب" به رهبری ژنرال نوین بود و همه پستهای حکومتی در دست ارتشیان قرار داشت. پس از این سال، بر مبنای قانون اساسی تازه، یک مجلس نمایندگی و یک شورای دولتی در کشور تشکیل شد که همچنان در هر دو نظامیان و طرفداران نه‌وین قلبه مطلق داشتند. ژنرال "نه‌وین" نام برمه را به "جمهوری سوسیالیستی

## بازتاب پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی در مورد تشنج زدایی در شرق آسیا

دانست. دولت فیلیپین از برخورد مشخص با پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر برچیده شدن پایگاههای نظامی آمریکا در این کشور و همزمان برچیده شدن پایگاه نظامی شوروی در ویتنام، خودداری ورزید و آکینو اعلام کرد این مساله بستگی به توافق شوروی و آمریکا دارد.

دولت چین با پیشنهادهای تازه خاصه در زمینه دیدار رهبران چین و شوروی، برخورد مثبتی داشت. لی پنگ نخست وزیر چین، در مصاحبه‌های اعلام کرد که مذاکرات جاری حول مساله کامپوچیا، جزئی از یک روند است که منجر به دیدار سران دو کشور خواهد بود.

پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی برای تشنج زدایی در شرق آسیا بازتاب وسیعی یافته است. پیشنهادهای تازه را میخائیل گرباچف، در طی یک سخنرانی در شهر کراسنو یارسک واقع در سیبری شرقی اعلام کرد. آمریکا خود را در آغاز بی تفاوت نشان داد و سخنگوی دولت ریگان، پیشنهاد هفت ماده‌ای اتحاد شوروی را فاقد تازگی دانست. بعدا گفته شد که این پیشنهادها برای رسیدن به تفاهم بیشتر، دقیقاً بررسی خواهد شد. وزرات خارجه ژاپن ضمن تاکید بر ضرورت حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا، بخشی از پیشنهادهای اتحاد شوروی را "مبنایی برای تقویت مناسبات دو جانبه ژاپن و شوروی"

## اعلام حالت فوق العاده در قره باغ

درگیری‌های تازه بین آذری‌ها و ارمنی‌ها در شهر استپاناکرت مرکز منطقه خود مختار قره باغ، منجر به اعلام حالت فوق العاده در این شهر و شهر رایون آقدام شد. هدف از اعلام حالت فوق العاده، جلوگیری از بروز درگیری‌های تازه است. در شب چهارشنبه هفته گذشته علی رقم اعلام حالت فوق العاده، درگیری‌ها ادامه داشت. تا چند روز استپاناکرت متشنج بود و عده‌ای از مردم از شهر خارج شده و به حومه پناه برده بودند. دولت شوروی اعلام کرده است برای برقراری نظم و استقرار قانونیت سوسیالیستی، در مواجهه با آشوبگری‌ها تمهیدات ضروری را اتخاذ خواهد کرد.

## از میان دیگر رویدادها

● در روز شنبه ۲۴ سپتامبر هور کنسیا گوسی دو آنده بیوه سالوادور آنده پس از ۱۵ سال تبعید به شیلی بازگشت. او مورد استقبال وسیع اهالی سانتیاگو و نمایندگان سازمانهای اپوزیسیون قرار گرفت.

در هفته گذشته همچنین ولودیا تایتلویم، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شیلی که از چهره‌های سرشناس سیاسی کشور است، به شیلی بازگشت.

● در هفته گذشته، نیروهای ترقی خواه در آلمان فدرال و برلین غربی، حرکت‌های اعتراضی و افشاگر مختلفی علیه "بانک جهانی" که در برلین غربی، اجلاس داشت، برگزار کردند. بانک جهانی که رهبری آن در دست هفت کشور عمده امپریالیستی است، جهان سوم را زیر فشار و قرض‌های سنگین و بهره‌های کلان قرار داده است. در اجلاس برلین غربی، وزرای مالیه کشورهای جهان سوم که در اجلاس حضور داشتند، خواهان کاهش بهره‌ها و تمدید مهلت بازپرداخت وام‌های خود شدند. این تقاضا با مخالفت کشورهای امپریالیستی مواجه شد.

● در انتخابات پارلمانی در سوئد راستگرایان با شکست مواجه شدند. احزاب راست و "میانه" که خود را آلترناتیو حکومت سوسیال دمکرات کارلس سن اعلام کرده بودند در مجموع ۱۵۲ کرسی در مجلس نمایندگی سوئد به دست آوردند که ۱۸ کرسی کمتر از کرسی‌های آنها در دور قبلی انتخابات است. در انتخابات هفته گذشته "حزب کارگری سوسیال دموکرات سوئد" ۱۵۹ کرسی و حزب چپ کمونیست‌های سوئد ۱ کرسی به دست آورد. کمونیست‌ها در مجلس در برابر محافظه کاران، از سوسیال دموکرات‌ها پشتیبانی می‌کنند. نکته تازه در انتخابات سوئد پیروزی سبزها بودند. آنها با کسب ۲ کرسی برای نخستین بار وارد پارلمان سوئد می‌شوند.

● در هفته گذشته اسرائیل برای نخستین بار راسا یک ماهواره اکتشافی به فضا پرتاب کرد. متخصصین اسرائیلی برای ساختن این ماهواره، از کمک فنی آمریکا برخوردار بوده‌اند. ماهواره اسرائیلی نقل و انتقال‌های نظامی در منطقه را کنترل خواهد کرد.



آنطرف دهکده المپیک در سئول: هر روز دانشجویان کره‌ای دست به تظاهرات می‌زنند و واقعات کره جنوبی را که رژیم حاکم می‌کوشد آن را در پشت زرق و برق‌های المپیک، پنهان کند، انفا می‌سازند. عکس‌بالا دانشجویان کره‌ای را در تظاهراتی که هفته گذشته بر پا کردند، نشان می‌دهد. آنها پرچم‌های ژاپن و آمریکا را به آتش کشیده‌اند.

## استعفای دولت "مسئور" در لهستان

در روز دوشنبه هفته گذشته (۱۹ سپتامبر) نخست وزیر لهستان "مسئور"، در نشست پارلمان این کشور (سیم)، از سمت خود استعفا داد. قبلا رئیس شورای سندیکاهای لهستان اعلام کرده بود که نمایندگان سندیکاهای در "سیم" به کابینه مسئور، رای عدم اعتماد خواهند داد. مسئور در طی نطقی علت استعفای خود را این موضوع عنوان کرد که کابینه وی از اعتماد کافی در میان مردم برخوردار نیست. سندیکاهای لهستان تمهیدات اقتصادی دولت مسئور را انگیزه اصلی اعتصابات کارگری اخیر در کشور می‌دانند. این تمهیدات منجر به بالا رفتن قیمت برخی اقلام مصرفی و کاهش دستمزدها شده بود.

اوربان، سخنگوی دولت لهستان که تا تشکیل کابینه بعدی، سمت خود را حفظ خواهد کرد در روز ۲۱ سپتامبر اعلام کرد که کابینه آینده بازتاب دهنده یک ائتلاف گسترده تر خواهد بود و در آن "شخصیت‌های مستقل" نیز حضور خواهند داشت.

## کودتاهائی تی

با کودتای گروهی از نظامیان در هائیتی، ژنرال نامنی حاکم پیشین از کشور گریخت و به جمهوری دومینیکن پناهنده شد. برکناری نامنی موجی از خوشحالی در میان اهالی برانگیخت. حاکم تازه ژنرال آوریل نام دارد که قبلا رابطه تنگاتنگی با دیکتاتور فراری دو الیه داشته است. آوریل پس از قدرت گیری کابینه‌ای تشکیل داد که به جز یک نفر، بقیه غیر نظامی‌اند. او همچنین هفت ژنرال را از کار برکنار کرد. گفته می‌شود که سربازان و افسران جز، از بقیه امرای ارتش، خلع قدرت کرده‌اند.

هنوز مشخص نیست که ژنرال آوریل، تا چه حد خط حکومت ترور و فساد و اختناق دو الیه و نامنی را پی خواهد گرفت. او اعلام کرده است که خود در محاصره رده‌های پائین ارتش قرار دارد.

در هفته‌های گذشته ترور و سرکوب در هائیتی تی به اوج خود رسیده بود. از جمله مزدوران دو الیه به یک کلیسا حمله کرده، ۱۲ نفر را کشته و ۷۷ نفر را زخمی کرده بودند.

## شبی در رام الله

در شامگاه روز ۱۴ سپتامبر، یک نوجوان یازده ساله فلسطینی در نوار فزه به دست صهیونیستها کشته شد. یک افسر اسرائیلی به سوی عده‌ای از جوانان و نوجوانان فلسطینی که در حال تظاهرات بودند، آتش گشود و موجب قتل این نوجوان گردید. در روز بعد نظیر این حادثه در نابلس واقع در کرانه غربی پیش آمد. نظامیان اسرائیلی به سمت گروهی تظاهر کننده شلیک کرده و دو جوان ۱۶ و ۱۸ ساله را به شدت زخمی کردند.

روزیکشنبه ۱۷ سپتامبر، ششمن سالگرد قتل عام اردوگاههای صبرا و شتیله به دست سربازان اسرائیلی بود. به همین مناسبت در مناطق اشغالی اعتصاب عمومی برپا شد. مردم دست به تظاهرات زدند. صهیونیستها در جریان سرکوب تظاهرات در کرانه غربی، ۲ جوان فلسطینی را کشته، ۴۵ نفر را زخمی و ۲۰۰ نفر را دستگیر کردند.

هر روز و هر هفته از مناطق اشغالی چنین خبرهایی به گوش می‌رسد. مبارزه خلق فلسطین در مناطق اشغالی پرتوان ادامه دارد. مسلسل بدستها در برابر فلاخن بدستها عاجز شده‌اند. آنها اوج درنده‌خویی خود را به نمایش نهاده‌اند، اما هر روز که می‌گذرد خود را در برابر مقاومت خلق بپاخاسته فلسطین در مانده‌تر می‌بینند. گزارش زیر جلوه‌هایی از سیاستهای دولت صهیونیستی در مناطق اشغالی را بازتاب می‌دهد. گزارش به قلم ژانت پرودین، یک زن یهودی آمریکایی است که اخیراً از مناطق اشغالی دیدار کرده است. ژانت پرودین از فعالین "اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی" است که مقرآن در ژنو است.

\* \* \*

شامگاه گرمی بود. با دوستانم در طبقه سوم خانه‌ای در رام‌الله نشسته بودیم و خستگی درمی‌کردیم. خانه بادگیر بود و در آن گرمای مطبوعه‌ای داشت. طبق معمول صحبت حول کرانه غربی و نوار فزه، مناطق تحت اشغال اسرائیل، و خیزش خلق می‌چرخید.

محمد، یک هرب ۳۲ ساله، داشت برای من از یک اعتصاب عمومی دو روزه‌ای تعریف می‌کرد که پیش در آمد قیامی بوده است که تاکنون هشت ماه ادامه دارد: "مردم برای ابراز

## منتشر شد:

شماره ۲۲ نشریه "آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم" منتشر شد. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:

- کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

ایده‌های انقلاب اکتبر از زمان پیروزی به بعد

این مقاله توسط آکادمیسین پیوتر فدوسیف معاون آکادمی علوم اتحاد شوروی نوشته شده است و مباحث زیر را در برمی‌گیرد: دیالکتیک در جهان نوین، مشخصه‌های خاص عصر کنونی، دیالکتیک تحول سوسیالیسم، در باب اهمیت

اسلوبی و هلمی ماتریالیسم دیالکتیک.

۴- پرتو نور و امید در نیمکره غربی

مقاله مزبور از مجله "صلح و سوسیالیسم" شماره ۷، سال ۱۹۸۷ گرفته شده است.

۳- اکتبر و تحولات ایدئولوژی بورژوازی

در این مقاله اهداف اصلی ایدئولوژی بورژوازی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- لنینیسم، انقلاب، دوران معاصر

این مقاله از نشریه "کمونیست" شماره ۷ سال ۱۹۸۷ ترجمه شده است

## در حمایت از زندانیان سیاسی ایران

در روز ۱۷ سپتامبر، اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیبنکشت در برلین غربی جشنواره‌ای تحت عنوان "روز جوانان" برگزار کرد. در این جشنواره جوانان پیشگام در برلین غربی نیز شرکت فعالی داشتند. سازمانهای جوانان شرکت کننده در "روز جوانان" با امضای بیانیه ارائه شده توسط جوانان پیشگام برلین غربی همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند. در این بیانیه حمایت فعال بین‌المللی از زندانیان سیاسی ایران، پایان دادن به شکنجه و کشتار در ایران و فرستادن یک هیات بیطرف بین‌المللی برای بررسی اوضاع زندانهای رژیم جمهوری اسلامی درخواست شده بود. سازمان‌های زیر بیانیه مزبور را امضا کردند.

- اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیبنکشت (برلین)  
- اتحادیه ضد فاشیستهای (برلین غربی)  
- حزب سوسیالیست متحده برلین غربی - منطقه شوین برگ  
- اتحادیه دانشجویان هراتی در آلمان فدرال و برلین غربی  
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین (برلین غربی)  
- حزب کمونیست لبنان (برلین غربی)  
- جوانان توده ایران (برلین غربی)  
- اتحادیه سوسیالیستی دانش

\* \* \*

برای تقویت همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران از سوی فدائیان خلق در پاکستان بیانیه‌ای انتشار یافت. در این بیانیه ضمن افشا جنایات اخیر رژیم ددمنش خمینی در زندان‌ها، خواست آزادی فوری همه زندانیان سیاسی ایران مورد تاکید قرار گرفته است این بیانیه از سوی احزاب

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI  
NR. 02910701.650  
DR. GERTRAUD ARTNER

باجمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید

Address: آدرس:  
RUZBEH  
POSTFACH 1810  
5100 AACHEN  
W. GERMANY

AKSARIYAT  
NO. 226  
MONDAY 26 Sep. 88